



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



انتظار یوپی

ایمان و امید
میر و جلال علی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انتظار پویا

نویسنده:

محمد مهدی آصفی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	انتظار بویا
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۱۸	مقدمه ناشر
۱۹	سخن آغازین
۲۳	نگاهی گذرا به زندگی و آثار حضرت آیت الله آصفی
۲۷	فصل اول: «انتظار» و «حرکت»
۲۷	اشاره
۲۸	تبیین مسأله انتظار
۲۸	اشاره
۲۸	انتظار در مکاتب فکری غیردینی
۲۹	انتظار در ادیان پیش از اسلام
۳۰	انتظار نزد اهل سنت
۳۲	انتظار نزد شیعه امامیه
۳۲	انتظار چیست؟
۳۳	انواع انتظار
۳۵	نظام تغییر
۳۷	تأخیر در «فرج»
۳۷	اشاره
۳۸	بررسی نظریه نخست
۴۲	بررسی نظریه دوم
۴۴	سنت های الهی و امداد غیبی

۴۶	گروه «زمینه سازان»
۴۶	اشاره
۴۷	۱. زمینه سازان از مشرق (خراسان)
۴۹	۲. زمینه سازان خراسان
۴۹	۳. زمینه سازان از قم و ری
۵۰	۴. زمینه سازان از یمن
۵۰	نشانه های زمینه سازان ظهور
۵۰	۱. گروه محکم و استوار
۵۱	۲. گروه مبارز
۵۵	۳. بازتاب های جهانی
۵۶	برنامه زمینه سازی
۵۷	«انصار» در روایات اسلامی
۶۰	جوانان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف
۶۱	نشانه ها و اندیشه ها
۶۱	اشاره
۶۱	۱. گنج هایی غیر از طلا و نقره
۶۲	۲. قدرت و آگاهی
۶۳	۳. هشیاری و بصیرت
۶۴	۴. عزم نافذ
۶۵	۵. نیرومندی
۶۵	۶. شهادت طلبی
۶۷	۷. تعادل شخصیت
۷۰	۸. زاهدان شب، شیران روز
۷۴	بایسته های انتظار
۷۴	اشاره
۷۴	۱. آگاهی

۷۶	۲. امیدواری
۷۷	۳. مقاومت
۷۷	۴. حرکت
۷۷	۵. دعا برای ظهور امام
۷۸	انتظار مطلوب
۷۸	اشاره
۸۰	یک. تصحیح مفهوم انتظار
۸۳	دو. منتظر کیست؟
۸۳	سه. ارزش انتظار
۸۵	فصل دوم: پیوند «حرکت» و «انتظار»
۸۵	اشاره
۸۶	حرکت و انتظار
۸۶	اقدام انقلابی
۸۷	بهای اقدام انقلابی
۸۷	تکلیف به حرکت
۸۹	ضعف انسان
۹۰	رهایی از سقوط
۹۰	عوامل رستگاری
۹۰	یک. استعانت از صبر و صلاه (نماز و روزه)
۹۲	دو. ولا (همبستگی)
۹۴	سه. میراث
۹۶	چهار. امید و انتظار
۱۰۰	درباره مرکز

سرشناسه: آصفی، محمد مهدی، ۱۳۱۶ -

عنوان و نام پدید آور: انتظار پویا/ نویسنده محمد مهدی آصفی؛ ترجمه تقی متقی.

مشخصات نشر: تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام، مرکز تخصصی مهدویت، ۱۳۸۳.

مشخصات ظاهری: ۸۰ ص.

شابک: ۳۰۰۰ ریال؛ ۹۰۰۰ ریال: چاپ پنجم: ۹۶۴-۷۴۲۸-۲۸-۶

یادداشت: چاپ پنجم: ۱۳۸۳.

یادداشت: کتابنامه بصورت زیر نویس.

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق. - - غیبت

موضوع: مهدویت - - انتظار

شناسه افزوده: متقی، تقی، ۱۳۴۰ -، مترجم

رده بندی کنگره: ۴/۲۲۴/۴/۶۲/الف ۱۳۸۳۸۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۳۱۱۲۶

ص: ۱

مؤلف: آیت الله محمد مهدی آصفی

مترجم: تقی متقی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

نوبت چاپ: نهم / بهار ۹۲

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۷۴۲۸-۲۸-۶

شمارگان: هزار و پانصد نسخه (تاکنون: بیست و چهار هزار و پانصد نسخه)

قیمت: ۲۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، مرکز تخصصی مهدویت / خیابان شهید / کوچه آمار (۲۲) / بن بست شهید علیان / ص.پ: ۱۱۹ - ۳۷۱۳۵ / همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱ / تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱ (داخلی ۱۱۷ و ۱۱۶) / ۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش) / ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت) / فاکس: ۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹ / فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹ / ص.پ: ۳۵۵-۱۵۶۵۵

www.mahdi۳۱۳.com

با قدردانی و تشکر از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

اعضای محترم شورای کتاب حجج اسلام مجتبی کلباسی، محمد صابر جعفری، مهدی یوسفیان، محمدرضا فؤادیان و آقایان احمد مسعودیان (مدیر داخلی)، عبدا... شریفی (مدیر فروش)، مرتضی دانش طلب (مدیر مالی)، عباس فریدی (طراح جلد و صفحه آرا) و کلیه کسانی که ما را یاری نمودند.

مدیر مسئول انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

حسین احمدی

فهرست مطالب

مقدمه ناشر ۸

سخن آغازین ۹

نگاهی گذرا به زندگی و آثار حضرت آیت الله آصفی ۱۳

فصل اول: «انتظار» و «حرکت» ۱۷

تبیین مسأله انتظار ۱۸

انتظار در مکاتب فکری غیردینی ۱۸

انتظار در ادیان پیش از اسلام ۱۹

انتظار نزد اهل سنت ۲۰

انتظار نزد شیعه امامیه ۲۲

انتظار چیست؟ ۲۲

انواع انتظار ۲۲

نظام تغییر ۲۵

تأخیر در «فرج» ۲۷

بررسی نظریه نخست ۲۸

بررسی نظریه دوم ۳۲

سنت های الهی و امداد غیبی ۳۴

گروه «زمینه سازان» ۳۶

۱. زمینه سازان از مشرق (خراسان) ۳۷

۲. زمینه سازان خراسان ۳۹

۳. زمینه سازان از قم و ری ۳۹

ص: ۵

۴. زمینه سازان از یمن ۴۰

نشانه های زمینه سازان ظهور ۴۰

۱. گروه محکم و استوار ۴۰

۲. گروه مبارز ۴۱

۳. بازتاب های جهانی ۴۵

برنامه زمینه سازی ۴۶

«انصار» در روایات اسلامی ۴۷

جوانان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۵۰

فرماندهان سپاه ۵۰

نشانه ها و اندیشه ها ۵۱

۱. گنج هایی غیر از طلا و نقره ۵۱

۲. قدرت و آگاهی ۵۲

۳. هشیاری و بصیرت ۵۳

۴. عزم نافذ ۵۴

۵. نیرومندی ۵۵

۶. شهادت طلبی ۵۵

۷. تعادل شخصیت ۵۷

۸. زاهدان شب، شیران روز ۶۰

بایسته های انتظار ۶۴

۱. آگاهی ۶۴

۲. امیدواری ۶۷

۳. مقاومت ۶۷

۴. حرکت ۶۷

۵. دعا برای ظهور امام ۶۷

انتظار مطلوب ۶۸

یک. تصحیح مفهوم انتظار ۷۰

دو. منتظر کیست؟ ۷۳

ص: ۶

سه. ارزش انتظار ۷۳

فصل دوم: پیوند «حرکت» و «انتظار» ۷۵

حرکت و انتظار ۷۶

اقدام انقلابی ۷۶

بهای اقدام انقلابی ۷۷

تکلیف به حرکت ۷۷

ضعف انسان ۷۹

رهایی از سقوط ۸۰

عوامل رستگاری ۸۰

یک. استعانت از صبر و صلاه (نماز و روزه) ۸۰

دو. ولا (همبستگی) ۸۲

سه. میراث ۸۴

چهار. امید و انتظار ۸۶

ص: ۷

بسم الله الرحمن الرحيم

تبیین انتظار و رویکردهای متفاوت آن، انگاره ای است که در دوران غیبت بر او گرد و غبار زمان نمی نشیند. چرا که پویایی طرح انتظار، منجر به انتظار پویا می گردد. اهمیت انتظار و اثر آن در امروز و فردای بشریت، مساله ای است حیاتی که در هر عصری نیازمند بیانی نو و جدید است تا در پرتو آن از آسیب ها، خرافه ها و تحریف ها پیراسته گشت و با تبیین وظایف و ویژگی منتظران واقعی حضرت، به سمت ظهور قدم برداریم.

از آنجا که بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، یکی از رسالت های خویش را تبیین معارف مهدوی از جمله انتظار راستین قرار داده است، لذا اقدام به نشر اثر حاضر نموده است.

این نوشتار ترجمه کتاب «الانتظار الموجه» اثر اندیشمند گرامی، حضرت آیت الله آصفی (حفظه الله) است که توسط محقق گرانقدر جناب آقای تقی متقی ترجمه گردیده است.

امید آن که این اثر مورد رضایت الهی و در سایه سار توجهات حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

سخن آغازین

ای مدنی برقع و مکی نقاب

سایه نشین چند بُود آفتاب

منتظران را به لب آمد نفس

ای ز تو فریاد! به فریاد رس

می آیی

ای شکفته در نگاه انتظار خاک!

و پایان کتاب غربت عالم و آدم با نام تو آغاز می شود.

ای حجت نهفته!

ای اندوه نگفته!

با ما بگو: راز سترگت، با سر انگشت کدام نیاز بزرگ، گشوده می شود؟ تقدیر پایانی زمین از رنگین کمان کدامین شادمانی شگفت، رنگ می گیرد؟

تو را با بادها چه نسبتی است که در کرانه یادت می چرخند و طوفان را نوید می دهند؟

ای طوفانِ آخرین!

تک سوارِ دشت های آشوب!

از کدام کرانه می وزی و کدامین ساعتِ سعید بر گرده تازیانه های تازنده فرود می آیی؟

چه تهی دست اند انسان ها بی تو و چه غفلتی بر جبین خورد و خوابشان نشسته است!

ای ذوالفقارترین تیغ بر شریانِ فتنه های کور!

می آیی، به خون خواهیِ مظلومان تاریخ؛ از «هاییل» تا «حسین علیه السلام» و از حسین علیه السلام تا هر که حتی نامی از او در صحیفه یادِ خاک، باقی نیست.

آه، ای مسیحِ مسلح!

پایان کتاب غربت عالم و آدم، با نام تو آغاز می شود ورنگین کمانی از ستاره و سرود، حاصلِ یک نگاهِ روشن تو است.

* * *

بندگان شایسته خدا، در انتظار به ارث بردن زمین اند؛ چنان که خدای تعالی در قرآن کریم بدیشان وعده داده است:

(ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون) (۱)؛ «و در حقیقت، در زبور پس از آن یاد کرد، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز بدین وعده پای فشرده و فرموده است:

«أبشركم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس وزلازل، فیملاً الارض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» (۲)؛ «شما را به ظهور مهدی علیه السلام

ص: ۱۰

۱- انبیاء (۲۱)، آیه ۱۰۵.

۲- مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۹۳، ح ۱۰۷۴۶.

بشارت می‌دهم که در هنگامه اختلاف و کوبش‌های [سخت]، در اتم پدیدار شود و زمین را پس از ظلم و جور، از عدل و داد آکنده سازد».

برخی دوست دارند، «انتظار» را حالت فرار از واقعیت‌های تلخ و رویکرد به آینده‌ای شیرین بدانند که در آن زمین از عدل و داد پر شده است. بی‌گمان چنین آینده‌ای _ همان‌گونه که خدای تعالی وعده داده _ فرا خواهد رسید و در این موضوع اختلافی نیست؛ بلکه اختلاف در طبیعت انتظار نمود می‌یابد. انتظار حالت گریز از رویارویی با واقعیت‌های گرانبار و سختی‌ها و رویکرد به شیرینی تغییر و اکتفا بدان نیست؛ بلکه انتظار ارتباط تنگاتنگی با حرکت در راستای تغییر و تلاش در جهت تحقق وراثت بندگان شایسته خدا در زمین دارد.

در این پژوهش، علاوه بر تبیین درست مفهوم انتظار، بحث‌های فرعی دیگری همچون انتظار در مکاتب فکری غیردینی، انتظار در نزد اهل تسنن و شیعه امامیه، ارزش فرهنگی انتظار، ابزار تغییر و اسباب تأخیر در فرج، زمینه‌سازان ظهور و یاوران مهدی علیه السلام، بایسته‌های انتظار و... مطرح شده است.

به راستی چه کسی منتظر دیگری است، ما یا امام عصر علیه السلام؟ آن حضرت حرکت و مقاومت و جهاد ما را انتظار می‌کشد، نه آنکه ما منتظر قیام او باشیم. چنین عقیده‌ای درباره انتظار، ارزش زیادی بدان می‌بخشد.

از این رو قرآن کریم اهتمام ویژه‌ای به مسأله حرکت و جنبش و جهاد ما مبذول داشته است. قرآن مسلمانان را به تغییر واقعیت‌های اجتماعی و جایگزین ساختن توحید در محل شرک و برداشتن موانع از سر راه

دعوت به سوی خدا و ارزش های انسانی فرا می خواند. چنین مسأله ای اقتضا دارد که انسان نیز خود را به اسباب و وسایل متعدد، از سقوط باز دارد. این وسایل عبارت است از: استعانت از صبر و صلاه، همبستگی، انتظار و امید و... .

در پایان، این نتیجه حاصل می شود که حرکت توحیدی امت اسلامی، از یک سو به قانون «وراثت» و از دیگر سو به قانون «انتظار» احاطه شده است. این دو از عمده ترین استوانه های حرکت توحیدی در مسیر طولانی و پر پیچ و خم آن است و ما باید با این دو آموزه قرآنی بیش از پیش آشنا شویم.

* * *

اثر حاضر ترجمه کتاب _الانتظار الموجه_ نوشته آیت الله آصفی _حفظه الله_ است که در آن مباحث مربوط به انتظار، با تأملی عالمانه مورد بازکاوی قرار گرفته است.

امید که این پژوهش، دستداران معارف اهل بیت (علیهم السلام) را به کار آید و در آنان معرفت آفریند و بصیرت افزایش دهد.

تقی متقی

ص: ۱۲

نگاهی گذرا به زندگی و آثار حضرت آیت الله آصفی

آیت الله محمد مهدی آصفی در سال ۱۳۱۷ ش در یک خانواده روحانی در نجف اشرف دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم شیخ علی محمد آصفی، از فقها و مدرسان حوزه علمیه نجف اشرف بود که آثاری از وی در زمینه مسائل قرآنی به یادگار مانده است.

آیت الله آصفی، پس از گذراندن دوران ابتدایی و مقداری از تحصیلات متوسطه، به فراگیری مبادی علوم دینی از نحو و منطق و بلاغت پرداخت. دروس سطح فقه، اصول و فلسفه را نزد اساتید وقت، شیخ صدرالدین بادکوبی، شیخ مجتبی لنگرانی، سید جعفر جزایری و پدرش فرا گرفت. خارج فقه و اصول را نزد آیت الله میرزا باقر زنجانی، آیت الله شیخ حسین حلی و آیت الله حکیم تلمیذ کرد. در درس مکاسب امام خمینی قدس سرّه نیز مدتی حضور یافت؛ امّا بیشترین فراگیری او از آیت الله خوئی قدس سرّه بود.

وی در ضمن تحصیل علوم حوزوی از دانشگاه بغداد در رشته معارف اسلامی نیز، مدرک کارشناسی ارشد دریافت کرد. مدتی در عراق تحت تعقیب نیروهای امنیتی حزب بعث بود و پس از هفت ماه اختفا توانست از طریق سوریه به ایران مهاجرت کند. در ایران، مدتی در درس آیت

الله گلیایگانی قدس سرّه و میرزاهاشم آملی قدس سرّه حاضر شد و از آیت الله آملی اجازه اجتهاد گرفت.

استاد در طول این مدت، در حوزه علمیه نجف و دو دانشکده در نجف و بغداد و نیز در حوزه علمیه قم، در رشته های فقه، اصول، علوم قرآنی، تفسیر و فلسفه به تدریس مشغول بوده است و اینک به تدریس خارج فقه و اصول در حوزه علمیه قم اشتغال دارد. از آغاز جوانی به نوشتن علاقه داشت و بیش از چهل کتاب و رساله در مسائل مختلف فرهنگ اسلامی _ چون اخلاق، تفسیر، عرفان، علوم قرآن، فقه، اصول، سیره، تاریخ، فلسفه و عقاید _ به زبان عربی تألیف کرده است. برخی از آنها به طور مکرّر در عراق، ایران و لبنان انتشار یافته و تعدادی از آنها به زبان های فارسی، اردو، انگلیسی، فرانسوی و ترکی ترجمه شده است.

برخی آثار چاپ شده آیت الله آصفی به قرار زیر است:

التقوی فی القرآن؛ العلاقه الجنسیه فی القرآن؛ آیه الکنز؛ در آمدی بر علم تفسیر؛ وعی القرآن؛ الميثاق؛ آیه التطهیر؛ المذهب التاریخی فی القرآن؛ الشهود فی القرآن؛ الولاء والبراء؛ الکلمات الابراهیمیة العشره؛ الاستعاذه؛ تفسیر بخشی از سوره بقره؛ تفسیر سوره انفال؛ الجسور الثلاثه و کتاب های دیگر.

ص: ۱۴

فصل اول: «انتظار» و «حرکت»

اشاره

ص: ۱۷

«انتظار»، پیوند و ارتباط برجسته ای با «حرکت» دارد. حرکت از برآیندهای انتظار و انتظار از جهت دهنده های آن است.

برخی دوست دارند حالت انتظار را یک مسأله روانی ناشی از حرمان، در اقصای محروم جامعه و تاریخ تفسیر کنند و یا حالت فرار به سوی تصوّر آینده ای بدانند که محرومان در آن بتوانند تمام حقوق از دست رفته و سیادتشان را باز پس گیرند. این، نوعی خیال بافی یا نوعی گریز از دامن واقعیت به آغوش تخیل است.

بی گمان، هنگامی که در پیشینه تاریخی مسأله، نظر کنیم و گستره وسیع نفوذ آن را در عقاید دینی معروف بنگریم، چنین توجیهی برای مسأله انتظار غیرعلمی و بی پایه خواهد بود.

انتظار در مکاتب فکری غیردینی

مسأله «انتظار» از محدوده دین فراتر رفته و مذاهب و رویکردهای غیردینی، نظیر مارکسیسم را نیز شامل شده است؛ چنان که «برتراند راسل» می گوید:

«انتظار، تنها به ادیان تعلق ندارد؛ بلکه مکاتب و مذاهب نیز ظهور نجات بخشی چه عدل را بگستراند و عدالت را تحقق بخشد، انتظار می کشند».

انتظار نزد مارکسیست ها، مانند انتظاری است که مسیحیان بدان اعتقاد دارند. انتظار نزد «تولستوی» نیز به همان معنایی است که مسیحیان عقیده دارند؛ جز آنکه این داستان نویس روسی، از زاویه ای دیگر آن را مطرح کرده است.

انتظار در ادیان پیش از اسلام

در عهد قدیم از _ کتاب مقدس _ آمده است:

«از وجود اشرار و ظالمان دلتنگ مباش که به زودی ریشه ظالمان بریده خواهد شد، و منتظران عدل الهی زمین را به میراث برند و آنان که لعنت شده اند، پراکنده شوند و صالحان از مردم، همان کسانی اند که زمین را به میراث برند و تا فرجام حیات جهان در آن زندگی کنند».^(۱)

این حقیقت، در قرآن کریم نیز تکرار شده است:

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) ^(۲)؛ «و بی گمان، در زبور، پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

ص: ۱۹

۱- کتاب مقدس ، سفر مزامیر داوود: مزمو ۳۷.

۲- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

انتظارِ «مهدیِ نجات بخش»، اختصاص به شیعه ندارد. روایات متواتر بسیاری درباره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از طریق اهل سنت با سندهای صحیح و مستفیض وجود دارد که نمی توان در آنها تشکیک کرد؛ چنان که از طریق شیعه امامیه نیز چنین روایاتی رسیده است.

عبدالرحمن ابن خلدون(۱) _ از دانشمندان قرن نهم هجری _ در «مقدمه» مشهور بر کتاب الْعَبْر(۲) می گوید:

«بدان که مشهور اهل اسلام در طول اعصار بر این عقیده اند که به ناچار در آخرالزمان مردی از اهل بیت ظهور خواهد کرد که دین را تأیید کند و عدالت را ظاهر سازد و مسلمانان از وی پیروی کنند. او بر ممالک اسلامی استیلا خواهد یافت و نام او «مهدی» است. خروج دجال و حوادث دیگر پس از آن و اینکه «عیسی» در پی او خواهد آمد و دجال را خواهد کشت، یا با او خواهد آمد و در کشتن دجال یاور وی خواهد بود و در نمازش به مهدی اقتدا خواهد کرد، از نشانه های ثابت ظهور است که در منابع روایی صحیح ذکر شده است.»(۳)

ص: ۲۰

۱- وی متأسفانه از جمله افرادی است که بدون داشتن تخصص در زمینه «حدیث شناسی» و با چشم پوشی از تواتر روایات مهدویت، به تضعیف و تردید در آنها پرداخته است!! البته از سوی اندیشمندان شیعه و سنی، دیدگاه وی رد شده است. ر.ک: در انتظار ققنوس، سید ثامر العمیدی، مترجم مهدی علیزاده. (ناشر)

۲- عنوان کامل این کتاب العبر و دیوان المبتدأ والخبر فی ایام العرب والعجم والبربر است. (مترجم)

۳- مقدمه ابن خلدون، ص ۳۱۱.

شیخ عبدالمحسن العیّاد _ مدرّس دانشگاه اسلامی مدینه منوره _ در پی حادثه اشغال حرم مکی، در مورد روایاتی که از رسول خدا درباره انتظار و ظهور حضرت مهدی علیه السلام رسیده، رساله ای نوشته است. وی در این رساله می گوید:

«من این رساله را به منظور تبیین سخن خروج مهدی آخرالزمان _ که روایات صحیحی بر آن دلالت دارد و دانشمندان اهل سنت از قدیم و جدید _ مگر به ندرت _ بر آن بوده اند، به رشته تحریر درآورده ام».(۱)

ابن حجر هیثمی در _الصواعق المحرّقه_ در تفسیر سخن خداوند تعالی: (وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِسَاءِهِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا ...) (۲) می نویسد:

«مقاتل و پیروان وی از مفسّران، گفته اند: این آیه درباره حضرت مهدی علیه السلام نازل شده است، و احادیثی خواهد آمد که تصریح به این نکته دارند چه وی از اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) است. بنابراین در آن دلالتی است بر برکت در نسل فاطمه و علی _ رضی الله عنهما _ و اینکه از آنان فرزندان پاکیزه فراوانی ظهور خواهد کرد و خداوند نسل آنان را مفاتیح حکمت و معادن رحمت قرار داده است. راز این نکته این است که رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برای علی و فاطمه و فرزندان او دعا کرد تا از شرّ شیطان رانده شده، محفوظ بمانند».(۳)

ص: ۲۱

۱- مجله الجامعه الاسلامیه ، شماره ۴۵.

۲- سوره زخرف (۴۳) آیه ۶۱: «وی نشانه ای برای رستاخیز است، پس در آن در گمان میفتید و راه مرا پی گیرید، این راهی است راست».

۳- ابن حجر هیثمی، الصواعق المحرّقه ، ج ۱، ص ۲۴۰.

شیخ ناصرالدین البانی، از شیوخ معاصر حدیث، در مجله _التمدن الاسلامی می_نویسد:

«اما مسأله مهدی، باید دانست که درباره خروج (قیام) وی احادیث صحیح فراوانی نقل شده است. بخش وسیعی از آنها دارای سندهای تأیید شده ای است که نمونه هایی از آنها را نقل می کنیم...».

انتظار نزد شیعه امامیه

احادیث انتظار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد شیعه امامیه، فراوان و متواتر است که دسته ای از آنها از طریق های صحیح به ما رسیده است. برخی دانشمندان، این احادیث را به شیوه ای علمی و ارزشمند گردآوری کرده اند؛ مانند [آیت الله [شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در کتاب گران سنگ _منتخب الاثر_ و شیخ علی کورانی در موسوعه الامام المهدی(۱) و دیگران.

ما هم اکنون در صدد نقل این روایات از طریق تشیع یا تسنن نیستیم. موضوع این پژوهش نیز در مورد احادیث مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مناقشه در آنها از حیث سند و دلالت نیست؛ بلکه در این پژوهش مسأله دیگری را می جوئیم و آن بحث از خود «انتظار» است.

انتظار چیست؟

انتظار، مفهومی اسلامی و ارزشی فرهنگی است که از آن، رفتار فرهنگی معینی سرچشمه می گیرد.

ص: ۲۲

۱- معجم احادیث الامام المهدی، (نشر مؤسسه معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۱ هـ).

مردم گاهی از انتظار، برداشت منفی می کنند که در این صورت، انتظار به مفهومی برای تخدیر و مانعی برای حرکت تبدیل می شود و گاهی نیز از آن برداشت مثبت دارند که در این صورت، عاملی برای حرکت، قیام و انگیزش در زندگی مردم خواهد بود.

بنابراین ناچاریم که از مسأله انتظار تصوّر شفاف و دقیقی داشته باشیم و همین نکته وظیفه اساسی ما در این پژوهش است.

«انتظار»، فرهنگ است و مفهومی فرهنگی که در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی نگرش ما به آینده، دخالت مؤثر و فعالی دارد و در ترسیم خط سیاسی ما برای حال و آینده، تأثیرگذار است.

نزدیک به هزار و صد سال است که انتظار، در زندگی ما ریشه فرهنگی خود را گسترده است؛ زیرا غیبت صغری در سال ۳۲۹ هـ. به پایان رسید و از آن تاریخ تقریباً هزار و اندی سال گذشته است.

در طول این مدّت، مسأله انتظار به گونه ای مؤثر، در ساختار اندیشه سیاسی و انقلابی ما دخالت داشته است. اگر بدون عامل انتظار به تاریخ سیاسی و انقلابی خود بنگریم، این تاریخ بلند، جایگاه دیگری خواهد داشت.

اگر کسی در «دعای ندبه» تأمل کند، به ژرفای مسأله انتظار و میزان نفوذ آن در روح مؤمنان و اندیشه و روش فکری و انقلابی آنان، پی خواهد برد.

انواع انتظار

انتظار نجات بر دو گونه است:

یکم. انتظار نجاتی که در توان انسان نیست، آن را جلو یا عقب

بیندازد؛ همانند انتظاری که شخص غریق در رسیدن گروه نجات مستقر در ساحل به سوی خود دارد. در این حال وی آنان را می‌نگرد که برای نجات او به راه افتاده‌اند. بی‌گمان، غریق را یارای آن نیست که زمان رسیدن گروه نجات را به خود نزدیک کند.

البته این انتظار، امید به نجات را در درون او تقویت کرده و نور امید را بر تیرگی‌های یأس و ناامیدی _ که از هر سو احاطه اش کرده _ خواهد تابانید.

دوم. انتظاری که انسان می‌تواند آن را نزدیک گرداند و طلب کند؛ مانند بهبود یافتن از بیماری، اجرای طرحی عمرانی، علمی و تجاری، پیروزی بر دشمن و رهایی از فقر. همه اینها ریشه در انتظار دارند و امر سرعت بخشیدن یا تأخیر انداختن آنها به دست خود انسان است.

پس این امکان برای انسان وجود دارد که در بهبود یافتن و شفا تعجیل کند، یا آن را به تعویق اندازد و یا حتی منتفی گرداند. چنان که امکان آن هست در اجرای پروژه‌ای تجاری، عمرانی و علمی عجله کند، یا اجرای آن را به وقتی دیگر موکول کند و یا آن را رها سازد. همچنین این امکان برای وی هست که به سوی پیروزی بر دشمن و بی‌نیازی مالی بشتابد، یا سستی ورزد و تأخیر کند و یا از خیر آن بگذرد.

با این بیان، انتظار از نوع دوم با انتظار از نوع اولی که از آن سخن گفتیم، تفاوت دارد و در محدوده قدرت و اختیار انسان است که در تحقق آنچه که انتظارش را می‌کشد، شتاب ورزد، یا درنگ و سستی روا دارد و یا عطایش را به لقایش بخشد.

از این رو انتظار از نوع دوم، علاوه بر «امید» و «مقاومت»، به انسان «حرکت» نیز می بخشد و حرکت، مخصوص انتظار است. بی گمان اگر انسان بداند که نجات ورهایی اش به حرکت، عمل و تلاشش وابسته است؛ آن چنان حرکت و تلاشی برای رهایی و نجات خویش به خرج می دهد که در گذشته، توان انجام دادن آن را نداشته است.

بنابراین اگر انتظار از نوع اول به انسان، تنها «امید» و «مقاومت» می بخشد، انتظار از نوع دوم به وی «حرکت» و پویایی نیز خواهد بخشید.

امید این قدرت را به انسان می دهد تا پرده حال را بدرد و آینده را ببیند، و چه قدر فاصله است میان کسی که «خدا»، «هستی» و «انسان» را از خلال درد ورنج حاضر می بیند و میان کسی که همه این سه را از خلال حال و گذشته و آینده می نگرد. بی گمان تیرگی، ظلمت و ابهام و اشکالی که دیدگاه نخست را احاطه کرده، در دیدگاه دوم وجود ندارد.

امید انسان را در پایداری و مقاومت در برابر سقوط و نابودی تا رسیدن نیروهای کمکی، توانمند می سازد و تا زمانی که چراغ امید به رسیدن کمک در دل و جان انسان ندرخشد، مقاومتی نخواهد داشت.

امید انسان را در نیل به نجات، رهایی، نیرومندی و توانگری قادر خواهد ساخت. چنین انتظاری، همان «انتظار پویا» و برترین نوع انتظاری است که در این پژوهش ما در پی آنیم.

نظام تغییر

این انتظار، شبیه انتظار مردم از خداوند است که کارهایشان را از بد

به خوب، از نیازمندی به بی نیازی، از ناتوانی به توانایی و از شکست به پیروزی تغییر دهد. چنین انتظاری، انتظار درست و عقلانی است؛ زیرا انسان، توده ای از ضعف، عجز، فقر، نادانی و زشتی است و از خدای تعالی، انتظار می رود که همه اینها را تغییر داده و به نیرو، توان، بی نیازی، دانایی و خوبی تبدیل کند. ایرادی نیست که انسان از خدا چنین توقع و انتظاری داشته باشد؛ به شرط آنکه برای تحقق آن، نظام معقولی را _ که خدای تعالی برای چنین تغییری مقرر کرده _ در پیش گیرد.

تا زمانی که انسان چنین نظامی را به کار نگیرد، درست نیست که توقع و انتظار تغییر از جانب خدا را داشته باشد. این نظام آن است که انسان، ابتدا در خودش تغییر ایجاد کند تا خدای تعالی، شرایط را به نفع او تغییر دهد.

بی تردید عقب ماندگی اقتصادی و علمی، شکست نظامی و سوء مدیریت و... از ضعف، سستی، ناامیدی و جهل نهفته در وجودمان و نبود جسارت و شجاعت، ریشه می گیرد. پس اگر ما در خودمان تغییر ایجاد کنیم، خدا نیز شرایط را به نفع ما تغییر خواهد داد.

اگر ما حال خود را تغییر ندهیم، خدا نیز شرایط را به نفع ما دگرگون نخواهد ساخت. در این دو حقیقت، هیچ شک و مناقشه ای نیست. انتظار تغییر از سوی خدای تعالی، حقیقتی است قطعی؛ البته در صورتی که این انتظار با حرکت و عمل انسان همراه گردد، و به تعبیر دیگر، این همان انتظار انقلابی است.

پس خطا است که از واژه انتظار، مترصد بودن منفی را بفهمیم؛

بی آنکه خود نقش منفی یا مثبتی در آنها داشته باشیم؛ همان گونه که چشم انتظار خسوف ماه یا کسوف خورشید می مانیم. بنابراین تفسیر صحیح آن است که انتظار، «حرکت»، «کار»، «تلاش» و «عمل» است.

تأخیر در «فرج»

اشاره

فهم درست معنای انتظار _ که آیا به معنای مترصد بودن است یا حرکت _ به جواب درست سبب تأخیر در فرج وابسته است. در اینجا دو دیدگاه مطرح است:

_ دیدگاه نخست: _ اگر سبب تأخیر در فرج و ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و انقلاب جهانی فراگیر او را این بدانیم که زمین تا از ظلم و جور پر نشده است، آن حضرت ظهور نخواهد کرد؛ به ناچار «انتظار» می باید به معنای «مترصد بودن» باشد! از طرفی به روشنی می دانیم که دامن زدن به ظلم و جور و گسترش دامنه آن، از دیدگاه اسلام جایز نیست.

بر اساس این برداشت، درست نیست که به مقابله با ظلم برخیزیم؛ زیرا چنین مقابله ای دوره غیبت را طولانی تر می سازد! پس به ناچار باید منتظر بمانیم تا ظلم و جور در زندگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و قضایی ما به حدّ کمال برسد و کره زمین از ظلمت ستم پر شود تا امام علیه السلام ظهور کند و انقلاب خود را علیه ستمگران و در حمایت از مظلومان، علنی سازد.

_ دیدگاه دوم: _ اگر سبب تأخیر در فرج، عدم وجود یارانی باشد که جامعه و [در گستره ای وسیع تر] دنیا را برای ظهور امام و قیام فراگیر

او، آماده سازند و پشتیبان و تکیه گاه انقلاب امام تلقی شوند، مسأله فرق می کند.

در اینجا چاره ای جز اقدام و تجهیز و آمادگی و امر به معروف و نهی از منکر، به منظور برپایی اقتدار حق بر روی زمین و حصول فرج به سبب ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نیست. در نتیجه، انتظار به معنای «مترصد» بودن نخواهد بود؛ بلکه به معنای حرکت، اقدام و جهاد برای برپایی اقتدار حق است؛ یعنی، مفهومی که مهیاسازی زمین برای ظهور امام و قیام جهانی او را طلب می کند.

بنابر چنین برداشتی از ظهور امام علیه السلام و تحقق فرج به دست او، معنای انتظار نیز از جهت مثبت و منفی، میان «مترصد بودن» و «حرکت» در نوسان خواهد بود. هم اکنون برای رسیدن به جواب صحیح، به بررسی این دو دیدگاه خواهیم پرداخت:

بررسی نظریه نخست

۱. «پر شدن زمین از ظلم و جور»، به معنای خشکیدن چشمه توحید و عدل در زمین یا باقی نماندن مکانی برای پرستش خدا نیست! چنین چیزی محال و خلاف سنت های الهی است؛ بلکه معنای آن، طغیان و سرکشی قدرت باطل، بر ضد حق در نبرد دایمی میان حق و باطل است.

۲. ظلم و ستمی که امروزه در گستره عظیمی از زمین بر مستضعفان و بینوایان می رود و تهاجم وسیعی که علیه ارزش های الهی می شود، شاید در تاریخ کم نظیر باشد!!

آنچه در منطقه بالکان توسط صرب ها بر ضد مسلمانان بوسنی و هرزگوین گذشت، در تاریخ ظلم و کشتار کمتر نظیر داشته است. صرب ها بارها شکم زنان آبستن را پاره کردند و جنین ها را بیرون کشیدند!! کودکان را به قتل رساندند و سر بریدند و با سرهای بریده، پیش چشم پدران و مادرانشان توپ بازی کردند!!

در «چچن» کودکان را سر بریدند و گوشت تنشان را طعمه خوکان ساختند! ستمی که کمونیست ها در دوره حکومت کمونیستی، بر مسلمانان آسیای میانه روا داشته اند، چنان است که لرزه بر اندام انسان می اندازد! شکنجه های وحشیانه ای که بر مسلمانان در زندان های اسرائیل اعمال می شود، از محدوده بیان بیرون است! برتر و بالاتر از همه اینها، شکنجه ها، زندانی کردن ها و ستم هایی است که در عراق بر مؤمنان به دست پلیس بعثی صدامی در جریان بوده و هیچ تعبیری از عهده توصیف آن بر نمی آید و...!

آنچه در گوشه گوشه دنیای اسلام بر مسلمانان می رود، بسیار وحشتناک و فراتر از ظلم و ستم و «پر شدن زمین از ظلم و جور» است؛ ولی کمتر دیده شده که افکار عمومی جهان نسبت به این ستم های وحشتناک اعتراضی داشته باشند! این بی تفاوتی از همه بدتر و زشت تر و نشانه انحطاط وجدان اخلاقی در جامعه جهانی و فرهنگ مادی بشر معاصر است.

انحطاط وجدان اخلاقی، نمود خطری است که پیوسته سقوط فرهنگی را در پی دارد و قرآن از آن به «نابودی امت ها» تعبیر می کند.

«وجدان» نیاز اصلی و اساسی انسان است؛ همان گونه که انسان بدون «امنیت»، «بهداشت و درمان»، «غذا»، «نظام سیاسی» و «علم [و فن آوری]» قادر به ادامه زندگی نیست، به همان سان بدون وجدان، قادر به ادامه حیات نیست و هرگاه سرچشمه های وجدان بخشکد، سقوط فرهنگی نتیجه طبیعی این حالت خواهد بود. به تعبیر قرآن پس از سقوط نیز قانون «استبدال»، «تبدیل» و «ارث» بر زندگی بشر حاکم خواهد بود و این، همان حالت قیام جهانی امام عصر علیه السلام و برپایی دولت جهانی و فراگیر او است.

۳. بر خلاف انتظار برخی، گرایش دنیای امروز به سمت سقوط نظام های سیاسی، نظامی و اقتصادی ستمگر است. همه ما چگونگی سقوط اتحاد شوروی را در ظرف چند ماه شاهد بوده ایم. مثل چین کشورهایی، مانند ساختمانی است که از درون پوسیده شده و کسی قادر به نگه داری آن از ویرانی نیست.

طوفان تغییر، هم اکنون در امریکا – یعنی ابرقدرت دنیا – وزیدن گرفته و این کشور را در بُعد اقتصادی، امنیتی، اخلاقی و مقبولیت، دچار زلزله های سخت و درهم کوبنده ای کرده است. (۱)

نظام جاهلی امروز، شمارش معکوس سقوط و فروپاشی خود را شروع

ص: ۳۰

۱- انفجارهای ۱۱ سپتامبر سال (۲۰۰۱ م) در برج های ۱۱۰ طبقه سازمان تجارت جهانی و وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) در نیویورک، نمونه آشکار این زلزله های سخت است. (مترجم)

کرده است؛ بنابراین از چنین نظامی، چگونه انتظار جنگ و وحشی گری بیشتری نداشته باشیم؟!

۴. آنچه در قرآن و روایات دیده می شود، این است که: «[امام عصر علیه السلام] زمین را از عدل و داد پر می کند، همان گونه که از ظلم و جور پر شده است»؛^(۱) نه بعد از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد!

معنای آن، این نیست که امام علیه السلام منتظر بماند تا ظلم و فساد بیشتر بشود! بلکه معنای روایت این است که آن حضرت هنگامی که ظهور می کند، زمین را از عدل و داد آکنده می سازد و با ظلم و فساد در جامعه مبارزه می کند، تا جایی که جامعه بشری، از ظلم و فساد پاک شود؛ همان گونه که در گذشته از ظلم و فساد پر بوده است.

اعمش از ابی وائل روایت کرده که امیرمؤمنان علیه السلام درباره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

«يُخْرِجُ عَلِيَّ حِينَ غَفَلَهُ مِنَ النَّاسِ وَامَاتَهُ مِنَ الْحَقِّ وَاطْهَارَ مِنَ الْجَوْرِ، يَفْرَحُ لَخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَسُكَّانُهَا، وَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»^(۲)؛

«در هنگامه غفلت مردم، نابودی حق و آشکاری ظلم، [مهدی] خروج می کند. به سبب این خروج، اهل آسمان و ساکنان آن شادمان می شوند و زمین را از عدل و داد آکنده می سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده باشد».

ص: ۳۱

۱- «يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا» .

۲- بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

به نظر می‌رسد معنای جمله «پر شدن زمین از ظلم و جور» این است که ظلم و جور چنان زیاد شود که مردم از آن، فریاد و فغان بردارند. ظلم، نقاب تبلیغاتی خود را — که نزد مردم خوب جلوه می‌کرد — فروافکند و چهره حقیقی اش را آشکار سازد! این تشکیلات و نظام‌ها در تحقق آنچه مردم را بدان وعده می‌دادند — رفاه، آسایش و امتیّت — شکست می‌خورند و پس از این شکست‌های گسترده، مردم در جست‌وجوی نظامی الهی که آنان را از این ناکامی‌ها برهانند، به حرکت در می‌آیند و رهبری را می‌جویند که دستشان را بگیرد و به سوی خدای تعالی رهنمونشان سازد.

این شکست‌های پی‌درپی، هم‌اکنون در زندگی مردم یکی پس از دیگری رخ نموده است. بزرگ‌ترین آن با سقوط اتحاد جماهیر شوروی بوده و در سال‌های اخیر آشوب‌های تندی امریکا را به لرزه در آورده است. هر کدام از این ناکامی‌ها، مردم را به سوی نظام الهی و رهبر ربّانی نجات بخش سوق می‌دهد.

بررسی نظریه دوم

این نظریه در فهم علل تأخیر فرج و ظهور امام علیه السلام، به علل واقعی تکیه کرده است که نخستین آنها، عدم وجود یاوران کافی از جهت کمیت و کیفیت، در میان شیعیان و انصار آن حضرت است.

بی‌گمان انقلابی که امام علیه السلام رهبری آن را به عهده خواهد داشت، انقلابی جهانی و همگانی است که مستضعفان و محرومان در آن، امامت

و سرپرستی جامعه بشری را عهده دار خواهند بود:

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ) (۱)؛

«ما می خواهیم بر آنان چه در زمین خوارشان شمرده اند، منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم».

و مؤمنان مستضعف در این مرحله، تمام آنچه را که طاغوت ها از قدرت و ثروت در دست دارند، به ارث می برند: (وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ)؛ «و آنان را میراث بران قرار دهیم» و (أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (۲)؛ «بندگان شایسته ام میراث بران زمین خواهند شد».

و سلطه بر گستره زمین، نصیب آنان خواهد بود: (وَنُكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ) (۳)؛ «و در زمین، قدرتشان دهیم».

امام زمان علیه السلام در این مرحله، تمام زمین را از لوٹ شرک و ظلم پاک خواهد کرد: (يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجورًا)؛ «زمین را از عدل و داد آکنده می سازد؛ چنان که از ظلم و جور پر شده است».

در برخی روایات، تصریح شده، در شرق و غرب عالم جایی که در آن ندای «لا اله الا الله» طنین انداز نشود، یافت نخواهد شد. محور این انقلاب فراگیر، جز «توحید» و «عدل» نخواهد بود. چنین انقلابی، به

ص: ۳۳

۱- قصص (۲۸) آیه ۵.

۲- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۳- قصص (۲۸) آیه ۶.

ناچار زمینه سازی های زیادی را در سطح عالی _ هم از جهت کمیت و هم از جهت کیفیت (نیروها و امکانات) _ می طلبد. اگر این آمادگی ها ایجاد نشود، چنین انقلاب فراگیری در سنت های الهی، در تاریخ بشری به تحقق نخواهد پیوست.

سنت های الهی و امداد غیبی

این انقلاب در رویارویی با متکبران، طاغوت ها، نظام ها و نهادهای جاهلی حاکم بر مردم، به یقین بدون امداد غیبی و پشتیبانی و تأیید الهی، به پیروزی نخواهد رسید.

در منابع اسلامی وجود چنین امدادی تأیید و چگونگی آن بیان شده است؛ البته این امداد الهی یکی از دو طرف قضیه است و طرف دیگر آن، نقش سنت های الهی در تاریخ و جامعه در تحقق این نهضت جهانی و گسترش و کمال بخشی بدان است. این سنت ها نیز بی هیچ تغییر و تبدیلی، جاری خواهند بود:

(سَنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا) (۱)؛

«درباره کسانی که پیش تر بوده اند [همین] سنت خدا جاری بوده است؛ و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت».

این سنت ها، تعارضی با امداد و تأیید الهی ندارد. این انقلاب در امتداد دعوت رسول خدا برای تحقق توحید در زندگی مردم است.

ص: ۳۴

خدای تعالی به واسطه فرشتگان نشان دار و بادها و لشکری که قابل رؤیت نبود، و نیز به سبب رُعبی که در دل دشمنانش انداخت، رسولش را یاری کرد. از طرف دیگر رسولش را به فراهم کردن تجهیزات برای این جنگ سرنوشت ساز فرمان داد: (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ... (۱)؛ «و هر چه در توان دارید در مقابل دشمنان بسیج کنید...».

مراحل این نبرد نیز به موجب سنت های خدای تعالی در تاریخ و جامعه، تحقق می یافت و گاهی رسول خدا بر دشمنانش پیروز می شد و گاه این پیروزی به دست نمی آمد.

آن حضرت در این نبردها، از نیروهای نظامی، امکانات مالی و سلاح های جنگی بهره می گرفت. نقشه جنگ تدارک می دید و دشمن را با وسایل مختلف و شیوه های جدید، در زمان و مکان نبرد غافلگیر می کرد و هیچ یک از این امور با امداد غیبی الهی نسبت به رسول خدا _ که شکی در آن نیست _ منافاتی ندارد.

انقلاب جهانی به رهبری فرزند پیامبر خدا (مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از دعوت و نهضتی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) رهبری آن را به دوش داشته، به امر الهی، منحرف نخواهد شد.

از سنت های بایسته در این انقلاب جهانی، «آمادگی» و «زمینه سازی» قبل از ظهور امام علیه السلام و «یاری» و «یاوران» در هنگام ظهور

ص: ۳۵

است. بدون این آمادگی و زمینه سازی ویاری، امکان ندارد انقلابی با این عظمت، در تاریخ انسان به ثمر برسد.

در این رابطه دو گونه روایات وجود دارد:

گروه نخست، روایاتی است که به «زمینه سازان» (مُوطَّئان) تعلق دارد. اینان جامعه انسانی و کر زمین را، برای ظهور و انقلاب جهانی همگانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده می سازند و به طور طبیعی قبل از ظهور امام علیه السلام پیدا می شوند.

گروه دوم از روایات، به «انصار» اختصاص دارد. انصارِ امام علیه السلام، آن حضرت را در قیام بر ضد ظالمان همراهی می کنند و امام علیه السلام رهبری آنان را در این قیام بر عهده می گیرد. پس این دو گروه عبارت است از:

۱. «زمینه سازان» که زمین را برای ظهور و قیام امام علیه السلام مهیا می سازند.

۲. «انصار» که امام علیه السلام با پشتیبانی آنان بر ض ظالمان قیام می کند.

گروه «زمینه سازان»

اشاره

در روایات شیعه و سنی، درباره گروه زمینه سازان مطالبی بیان شده است. این نصوص برخی مناطق اسلامی را _ که این گروه از آنجا برخوانند خاست _ مشخص کرده اند. مهم ترین این مناطق عبارت است از: خراسان (مشرق)، قم، ری و یمن. در روایات زیر، گروه زمینه سازان به مناطق یاد شده منتسب شده اند:

«حاکم» در _ مستدرک صحیحین _ از عبدالله بن مسعود نقل کرده است:

«أتانا رسول الله (صلى الله عليه وآله) فخرج إلينا مستبشراً يُعرف السرور في وجهه، فما سألناه عن شيء إلا أخبرنا به ولا سكتنا إلا ابتدأنا حتى مرَّ فتية من بني هاشم منهم الحسن والحسين، فلما راهم التزمهم وانهملت عيناه، فقلنا: يا رسول الله، ما نزال نرى في وجهك شيئاً نكرهه؟ فقال: إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا، وأنه سيلقى أهل بيتي من بعدى تطريداً وتشريداً في البلاد حتى ترتفع راياتُ سودٍ في المشرق، فيسألون الحقَّ لا يعطونه، ثمَّ يسألون فلا يعطونه، ثمَّ يسألونه فلا يعطونه _ فيقاتلون _ فينصرون. فمن ادركه منكم ومن اعقابكم فليأتِ إمامَ أهل بيتي، ولو حبواً على الثلج، فإنها رايات هُدى، يدفعونها إلى رجل من أهل بيتي»؛(۱)

«[روزی] رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) با شادمانی تمام به سوی ما آمد، به گونه ای که برق شادی در نگاهش می درخشید. هر چه می پرسیدیم، پاسخ می گفت و هر گاه سکوت می کردیم، خود شروع می فرمود؛ تا آنکه گروهی از جوانان بنی هاشم _ که امام حسن و امام حسین (علیهما السلام) _ در میانشان بودند، آمدند که از مقابل ما بگذرند. حضرت همین که آنان را دید، در آغوششان کشید و اشک از

ص: ۳۷

دیدگان مبارکش جاری شد. گفتیم: ای فرستاده خدا! آن چیست که پیوسته در چهره شما چیزی می بینیم که خوش نداریم. فرمود: ما خاندانی هستیم که خدای تعالی آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده است. پس از من خاندانم رانده و آواره شهرها کردند تا آنکه پرچم هایی سیاه در مشرق سربلند می کنند. آنان حق را می طلبند و بدیشان نمی دهند، در برهه ای دیگر حق را طلب می کنند و بدیشان نمی دهند، و باز نیز چنین شود؛ پس آن گاه نبرد می کنند و پیروز می شوند. [سپس فرمود:] هر که از شما یا فرزندان تان، چنین روزی را درک کرد؛ نزد امامی که از خاندانم است، حاضر شود _ اگرچه جامه به خود پیچد و بر برف گام نهد _ زیرا این پرچم ها، پرچم های هدایتند که آنها را به مردی از خاندانم تقدیم می کنند».

ابی خالد کابلی از امام صادق علیه السلام روایت می کند:

«كَأَنِّي بَقُومٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ، فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطُونَ مَا شَاءُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَلَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ فَيُتَلَّاهُمْ شُهَدَاءً، أَمَا إِنِّي لَوَآذِرُكُمْ ذَلِكُمْ لِأَبَقِيَتْ نَفْسِي لَصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ»؛(۱)

«گویا می بینم مردمی را که در مشرق قیام کرده اند و حق را می طلبند و بدیشان داده نمی شود؛ ولی از پای نمی نشینند. از

ص: ۳۸

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴۳، (دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، لبنان)؛ غیبت نعمانی، (انتشارات صدوق)، باب ۱۴، ح ۵۰.

این رو سلاح در دست می گیرند، در نتیجه آنچه می خواستند بدیشان داده می شود. اما نمی پذیرند تا آنچه قیام می کنند و حکومت را به کسی جز صاحب شما (امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحویل نمی دهند. کشته شدگان از آنان، شهیدند. آگاه باشید که اگر من در آن زمان حضور داشتم، وجودم را وقف صاحب این امر می کردم».

۲. زمینه سازان خراسان

محمد بن حنفیه، در روایتی از امام علی علیه السلام نقل کرده است:

«ثُمَّ تَخْرُجُ رَايَهُ مِنْ خُرَاسَانَ يَهْزُمُونَ أَصْحَابَ السَّفِيَانِي حَتَّى تَنْزَلَ بَيْتَ الْمُقَدَّسِ تَوَطَّئُ لِلْمَهْدِيِّ سُلْطَانَهُ»^(۱)؛

«پرچمی از خراسان بیرون می آید، [حاملان این پرچم] اصحاب سفیانی را شکست می دهند تا اینکه به بیت المقدس می رسند و زمینه حکومت [حضرت] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را فراهم می سازند».

۳. زمینه سازان از قم و ری

علامه مجلسی روایت کرده است:

«رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمٍ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَثِيرٌ مِنَ الْحَدِيدِ، لَا تَزَلُّهُمْ الرِّيَّاحُ الْعَوَاصِفُ، لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجِبُونَ وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^(۲)؛

«مردی از اهالی قم مردم را به حق فرا می خواند، گروهی که

ص: ۳۹

۱- عصر الظهور، ص ۲۰۶.

۲- بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶؛ و نیز: سفینه البحار، ج ۲، ص ۴۴۶.

دل های آنان چون پاره های آهن است، گرد او جمع می شوند. طوفان های سخت آنان را نمی لرزاند. از جنگ خسته نمی شوند و بی‌می به خود راه نمی دهند، بر خدا توکل می کنند و عاقبت [نیک] از آن پرهیزگاران است.»

۴. زمینه سازان از یمن

امام باقر علیه السلام درباره رهبری یمانی قبل از ظهور امام عصر علیه السلام فرموده است:

«... ولیس فی الرايات اهدى من رایه الیمانی، هی رایه هدی لانه یدعو الی صاحبکم...»^(۱)؛

«... در میان پرچم ها، پرچمی هدایت یافته تر از پرچم یمانی نیست. آن پرچم، پرچم ارشاد است؛ زیرا [مردم را] به سوی صاحب شما [امام عصر علیه السلام] فرا می خواند...».

نشانه های زمینه سازان ظهور

۱. گروه محکم و استوار

نخستین چیزی که در این قشر جلب نظر می کند، صلابت، نیرومندی و استواری آنان است. بنابراین آنان قوی و نیرومند هستند و زمین را برای ظهور امام علیه السلام آماده می سازند.

محمد بن یعقوب کلینی ذیل آیه (فاذا جاء وعد اولیہما بعثنا علیکم

ص: ۴۰

عباداً لنا أولى بأس شديد) (۱) آورده که: امام صادق علیه السلام «بندگان سخت نیرومند» را به همین قشر تفسیر کرده است.

در روایتی از این گروه، با عنوان «قلوبهم كزبر الحديد، لاتزلهم الرياح العواصف»؛ (۲) توصیف شده است.

ایشان با آنکه دارای «دل» هستند و طبیعت دل، نرمی و رأفت است؛ لیکن این دل ها در رویارویی با طاغوت ها و ستمگران، به تکه های آهن بدل می شوند که دیگر نرمی و رقت نمی شناسند.

صلابت و نیرومندی، از ویژگی های نسل هایی است که خدای تعالی مسؤولیت تغییر [نظام های اجتماعی] و ایجاد انقلاب را به دوش آنان گذاشته است. همچنین این دو صفت از ویژگی نسل هایی است که خدای تعالی، آنان را در گردنه های بزرگ تاریخ برای انتقال مردم از مرحله ای به مرحله دیگر، برگزیده و گروه زمینه سازان، دارای این ویژگی ها است.

۲. گروه مبارز

وظیفه این گروه، مبارزه با نظام جهانی و عصیان علیه آن است. اینکه نظام جهانی چیست و چگونه این نظام در خدمت به ابرقدرت ها

ص: ۴۱

۱- اسراء (۱۷) آیه ۵: «پس آن گاه که وعده تحقق نخستین آن دو فرارسد، بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم ...».

۲- دل هایشان همچون پاره های آهن است که طوفان ها آنان را نلرزاند.

وهم پیمانان آنها و حفظ مراکز قدرت و موقعیت استراتژیکی شان در مناطق مختلف دنیا عمل می کند، یک پرسش جدی است.

مسئولیت حفظ این مراکز قدرت، مسئولیتی بسیار دشوار و ظریف است که نظام جهانی در تمام سطوح دنیا _ نه تنها در سطوح منطقه ای یا کشوری _ بدان پایبند است.

این نظام، از یک سری معادلات و موازنه های سیاسی، اقتصادی، نظامی و خبری دقیق شکل گرفته است. همچنین این نظام از رژیم های سیاسی تشکیل یافته که به عنوان عضو یک خانواده جهانی محسوب می شوند و مجموعه ای از خطوط قرمز و سبز و زرد در میان آنها در زمینه حوادث، امتیازها، تنظیم نقش ها، تقسیم درآمدها، بازار و منابع ثروت و مناطق نفوذ وجود دارد.

این مجموعه پیچیده، قدرت های بزرگ را به سلطه بر دنیا قادر ساخته است؛ همان طور که یک اهرم (۱) کوچک، انسان را در جا به جایی اجسام سنگین با کمترین حرکت، توانا می سازد. از این رو نظام جهانی، قبل و بعد از سقوط اتحاد جماهیر شوروی، همچنان نزد همگان احترامش را حفظ کرده است؛ زیرا هر یک از آنان، به قدر گستره و توان خویش از این نظام بهره می برد.

این جوانان (زمینه سازان ظهور امام عصر علیه السلام)، به سادگی و بی هیچ

ص: ۴۲

۱- اهرم: میله آهنی ضخیمی که به وسیله آن اجسام سنگین را جا به جا می کنند.

تردیدی، این خطوط قرمز را زیر پا می گذارند و معادلات و موازنه های مورد توافق را بر هم می زنند. همچنین استقرار، توازن و شوکت جهانی این رژیم ها و سازمان های بین المللی را بی اعتبار می سازند.

این سازمان ها ورژیم ها، نه قدرت سلطه بر این جوانان را دارند و نه توانایی تحمیل یا دفعشان را؛ زیرا بیشترین توان این حکومت ها و هیئت جهانی شان، در رویارویی با حکومت ها و سازمان هایی همانند خودشان است و آخرین سلاح آنان قتل، زندان، شکنجه و تبعید است؛ حال آنکه این جوانان از هیچ یک از این امور نمی هراسند.

از این رو، وصفی که در روایت درباره این گروه به کار رفته، بسیار دقیق است:

«لا تزلهم الرياح العواصف، لا يملون من الحرب ولا يجبنون وعلى الله يتوكلون والعاقبه للمتقين»؛

«آنان را تندبادها نمی لرزاند، از نبرد دلتنگ و ملول نمی شوند و نمی هراسند، و بر خدا توکل می کنند و عاقبت [نیک] از آن پارسایان است».

بی گمان آن که [در دل] هراسی ندارد، از نبرد خسته و دلتنگ نمی شود و تندبادها او را تکان نمی دهد. نیرو و امتیاز اینان در آن است که نمی هراسند و دشواری اینها از دیدگاه حکومت ها و قدرت های بزرگ، در همین نکته نهفته است.

در انتخابات عمومی ریاست جمهوری امریکا، در دوره رئیس جمهوری اسبق (کارتز)، گفت و گویی تلویزیونی در ضمن فعالیت های

تبلیغاتی نامزدهای ریاست جمهوری، برگزار شد. در این برنامه، نامزد رقیب رو به کارتر کرد و گفت:

«در حادثه انفجار مقر نیروی دریایی امریکا در بیروت (مارینز)، به هیئت جهانی امریکا خدشه زیادی وارد شد و تو _ خطاب به کارتر _ به تنهایی بایدمسئولیت کامل این خسارت را به عهده بگیری».

رئیس جمهور نیز در یک جمله پاسخ او را چنین داد:

«فکر می کنی من در مقابل انسانی که به طلب کشته شدن آمده چه می توانم بکنم؟! نهایت کاری که می توانم بکنم، این است که مردم را باترس و تهدید ازامثال چنین اقدامی بازدارم. اما اگر کسی که دست به چنین انفجاری زده، خود طالب مرگ باشد و به سوی مرگ آغوش بگشاید، چگونه می توانم وی را از این کار بازدارم؟ و اگر تو در موقعیت من بودی چه کار می توانستی بکنی؟!»

اینها از ویژگی های نسل مبارزی است که در رویارویی با رژیم ها و قدرت های بزرگ در ایران، عراق، افغانستان، لبنان، فلسطین، الجزایر، مصر، سودان، چین و بوسنی و هرزگوین پا به عرصه نهادند.

کار این نسل شگفت آور است؛ در عین حالی که در قبضه قدرت و سلطه و شلاق جلادان قرار دارند و انواع عذاب ها و شکنجه ها را می بینند؛ در مقابل آنان سر خم نمی کنند و نرمی نمی پذیرند... چنان که یکی از آنها در زیر شکنجه های جلادان، چنین گفت: «حسرت شنیدن یک آخ را هم بر دلت خواهم گذاشت!»

بازتاب های جهانی در مقابل این نسل _ چنان که در روایات بدان تصریح شده _ خشمگینانه و متعزّضانه است؛ زیرا آنان معادلات و موازنه های جهانی را با چالش های سخت و حقیقی مواجه می سازند؛ از این رو عکس العمل های جهانی در برابرشان با عصبانیت و خشم همراه است. ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده است:

«إِذَا ظَهَرَتْ رَايَةُ الْحَقِّ لِعَنِهَا أَهْلُ الشَّرْقِ وَأَهْلُ الْغَرْبِ، أَتَدْرِي لِمَ ذَلِكَ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: لِغَدَى يَلْقَى النَّاسَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ قَبْلَ ظَهْرِهِ»^(۱)؛

«آن گاه چه پرچم حق آشکار شود، اهل شرق و غرب لعنتش کنند. آیا می دانی، برای چه؟ گفتم: نه، فرمود: به دلیل مشکلات و سختی هایی که اهل بیت او برای [نظام های] شرق و غرب ایجاد خواهند کرد».

اهل بیت وی قبل از ظهور، زمینه سازان ظهور هستند که مشکلاتی را برای این رژیم ها و سازمان ها فراهم کرده و راحتی و آرامش را از آنان سلب می کنند. کلینی از امام صادق علیه السلام _ در تفسیر سخن خدای تعالی: (بعثنا علیکم عبداً لنا اولی بأس شدید)^(۲) _ چنین نقل کرده است:

«قَوْمٌ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ فَلَا يَدْعُونَ وَاتِرًا لآلِ مُحَمَّدٍ إِلَّا قَتَلُوهُ»^(۳)؛

«گروهی هستند که خدای تعالی قبل از ظهور قائم علیه السلام بر می انگیزد.»

ص: ۴۵

۱- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۳.

۲- اسراء (۱۷) آیه ۵: «بندگان از خود را که سخت نیرومندند بر شما می گماریم.»

۳- کافی، ج ۸، ح ۲۵۰، ص ۱۴۲ (بیروت: دارالاضواء)، سیمای حضرت مهدی در قرآن، ص ۲۱۳.

آنان هیچ ستم کننده ای به خاندان محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) را رها نمی کنند؛ جز آنچه او را به قتل می رسانند».

بازتاب های جهانی که در این روایات ذکر شده، تا حدّ زیادی به عکس العمل دنیای امروز در برابر بیداری اسلامی _ که از آن به «بنیادگرایی اسلامی» تعبیر می کنند و ناجوانمردانه ترین صفاتی چون خشونت و تروریسم را بدان منتسب می سازند _ همسانی دارد.

برنامه زمینه سازی

آماده سازی دنیا برای انقلاب امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف وظیفه ای گسترده، سترگ و پیچیده است که این گروه در رویارویی با ستمگران و طاغوت های مستکبر و سردمداران کفر، بدان اقدام می کند.

این ستمگران، یک جبهه سیاسی وسیع را _ به رغم تمامی اختلاف هایی که در میانشان حاکم است _ تشکیل می دهند! این جبهه اهرم های قدرت زیادی در اختیار دارد؛ همچون: ثروت، اقتدار سیاسی، نظامی و تبلیغاتی، ارتباطات [گسترده] و تشکیلات [پیچیده]، و از این وسایل در کوبیدن بیداری نوپای اسلامی و نابودی آن بهره می برد.

از این رو گروهی که عهده دار آماده سازی جهان برای ظهور امام عصر علیه السلام است، به ناچار در رویارویی با این نیروها، باید از همان تشکیلات جبهه استکبار جهانی برخوردار باشد؛ بلکه با تربیت ایمانی و جهادی و آگاهی سیاسی از دشمن پیشی گیرد.

بنابراین، آماده سازی برای قیام امام عصر علیه السلام _ که زمینه سازان تدارک

می بینند _ دارای دو جنبه خواهد بود:

۱. رشد ایمانی، جهادی و آگاهی سیاسی (این همان چیزی است که جبهه مقابل فاقد آن است).

۲. [ایجاد] تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی، اداری و اطلاعاتی که به ناچار در مانند چنین نبردی باید موجود باشد.

بی گمان، گروه مؤمنی که جهان را برای ظهور امام عصر علیه السلام مهیا می سازد؛ باید چنین امکاناتی را فراهم کند؛ اگرچه [در این زمینه] قدرت برابری با جبهه جهانی دشمن را نداشته باشد.

این تشکیلات سیاسی، نظامی، اقتصادی و اطلاعاتی، بدون وجود نظام سیاسی و دولت در جهان، محقق نخواهد شد و این همان دولت زمینه ساز است که در روایات، مژده برپایی آن داده شده است و شکل گیری چنین نیرویی در جهان، ظهور امام علیه السلام را نزدیک می کند و بدون آن، عوامل طبیعی ظهور امام فراهم نمی آید. کسب چنین نیرویی، نیازمند عمل و حرکت در متن زندگی است و فقط «مترصد» بودن و به «انتظار» نشستن _ به معنای منفی آن _ دردی را درمان نمی کند.

«انصار» در روایات اسلامی

«زمینه سازان» قیام امام مهدی علیه السلام، قبل از «انصار» پا به عرصه می گذارند. انصار از شاگردان نسل پیشین محسوب و به واسطه ویژگی های منحصر به فردشان شناخته می شوند.

به عنوان نمونه درباره «جوانان طالقان» روایتی زیبا نقل شده است.

متقی هندی در _کنز العمال_ و سیوطی در _الحاوی_ درباره انصار امام از «طالقان» چنین نقل کرده اند:

«وَيْحاً لِلطَّالِقَانِ، فَإِنَّ لِلَّهِ عِزّاً وَجَلَّ بِهَا كُنُوزاً لَيْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ، وَلَكِنْ بِهَا رِجَالٌ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَهُمْ أَنْصَارُ الْمَهْدِيِّ»^(۱)؛

«خوشا به حال طالقان! همانا برای خدای باشکوه و بزرگ در طالقان، گنج هایی است که از طلا و نقره نیست؛ بلکه در آنجا مردانی هستند که خدا را _ آن چنان که حق معرفت او است _ شناخته اند و آنان از یاوران مهدی علیه السلام هستند».

در روایتی دیگر چنین آمده است: «بَخُّ بَخٍّ لِلطَّالِقَانِ»؛ «آفرین، آفرین بر طالقان!»

علامه مجلسی در این باره حدیث مفصل تری را نقل کرده است:

«لَهُ كُنُزٌ بِالطَّالِقَانِ مَا هُوَ بِذَهَبٍ وَلَا فِضَّةٍ، وَرَايَهُ لَمْ تَنْشُرْ مُنْذُ طُؤَيْتٍ، وَرِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زَبَرُ الْحَدِيدِ لَا يَشُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنَ الْجَمْرِ، لَوْ حُمِلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا، لَا يَقْصِدُونَ بِرَايَاتِهِمْ بِلَدَّةٍ إِلَّا خَرَّبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقْبَانَ، يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْأِمَامِ يَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبُرْكَهَ، وَيَحْفَقُونَ بِهِ وَيَقُونَهُ بَانْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ، يَبِيتُونَ قِيَاماً عَلَى اطْرَافِهِمْ وَيَصْبِحُونَ عَلَى خِيُولِهِمْ. رُهْبَانٌ بِاللَّيْلِ، لِيُوثَّ بِالنَّهَارِ. هُمْ اطْوَعُ مِنَ الْأَمَةِ لِسَيِّدِهَا، كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ فِي قُلُوبِهِمُ الْقَنَادِيلَ وَهُمْ مِنْ خَشِيْتِهِ مَشْفِقُونَ. يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُّونَ»

ص: ۴۸

ان يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ. شعارهم: يا لثارات الحسين. اذا ساروا يسير الرعب امامهم مسيره شهر يمشون الى المولى ارسالاً، بهم ينصر الله امام الحق»(۱)؛

«برای او گنجی است در طالقان که [از جنس] طلا و نقره نیست، و پرچی است که از هنگام فرو پیچیده شدن، گشوده نشده است، و مردانی است که دل هایشان پاره های آهن است. در دل این مردان تردیدی در ذات الهی راه نیافته و سوزنده تر از پاره های اخگر است. (۲) اگر به کوه ها حملهور شوند، آنها را متلاشی سازند، با پرچم هایشان آهنگ هیچ دیاری را نکنند، جز آنکه ویرانش سازند؛ گویی که بر اسب هایشان عقابانند. برای برکت به زین اسب امام علیه السلام دست کشند و گرداگرد او بگردند و در نبردها با جان خویش یاری اش کنند. (۳) شب را به قیام و عبادت گذرانند و روز را بر اسبان خود. زاهدان شب و شیران روزانند. اطاعت پذیرتر از کنیز به سرور خویش اند. چونان چراغ هاینده؛ گویا چلچراغ هایی در دلشان فروزان است. و از بیم الهی ترسان اند. برای شهادت دعا می کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می پروراند.

ص: ۴۹

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- در نسخه ای دیگر به «سخت تر از سنگ» تعبیر شده است.

۳- در برخی نقل ها پس از این جمله، فقره های زیر اضافه شده است: «ویکفونه ما یرید فیهم، رجال لا ینامون اللیل، لهم دوی فی صلاتهم کدوی النحل»؛ «هر انتظاری که امام از اینان داشته باشد، کفایتش کنند، مردانی اند که شب نمی خوابند. در نماز خویش صدایی چون صدای زنبوران عسل دارند (کنایه از ابتهالی که در نماز دارند).»

شعارشان: «ای خون خواهان حسین!» است. آن گاه که به راه افتند، ترس و وحشت پیشاپیش ایشان مسیر یک ماه را بپیماید. متوجه مولا شوند و به حرکت درآیند. خدای تعالی بدیشان امام حق را یاری رساند».

جوانان، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در روایات بیان شده که یاران امام عصر علیه السلام را جوانان تشکیل می دهند و میانسال و کهنسال در میانشان _ جز به ندرت _ پیدا نمی شود. حضرت امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است:

«اصحاب المهدی شباب لا كهول فيهم، إلا كمثل كحل العين والملح في الزاد وقلّ الزاد الملح»^(۱)؛

«یاران مهدی علیه السلام جوانند و میان سال در میانشان نیست، مگر به مثل سرمه چشم و نمک در غذا و نمک [همیشه] کمتر از غذاست (کنایه از آن که پیران بسیار کم هستند)».

فرماندهان سپاه

امام باقر علیه السلام در این باره چنین فرموده است:

«فيجمع الله عليه اصحابه [وهم] ثلاث مائه وثلاثه عشر رجلاً، ويجمعهم الله على غير معاد... فيبايعونه بين الركن والمقام ومعه

ص: ۵۰

عهد من رسول الله (صلى الله عليه وآله) قد توارثته الابناء عن الآباء...» (۱)؛

«و خداوند بی هیچ میعادى یارانش را برای وی گرد می آورد، در حالی که ۳۱۳ نفرند ... وحد فاصل رکن ومقام [ابراهیم] با امام علیه السلام بیعت می کنند وبا آن حضرت عهدى است از رسول خدا که پشت در پشت از پدرانش به ارث برده است».

نشانه ها و اندیشه ها

اشاره

پیش از آغاز این بحث، گفتنى است زبان رایج در زمان صدور این روایات، زبانی رمزى و نمادین بوده است؛ از این رو می توان «سیوف» را به سلاح و «خیول» را به ماشین ها، نفربرها، تانک ها و وسایل نقلیه زرهى و رزمى معنا کرد. چنان که وصف «رهبان باللیل، لیوٹ بالنهار» نیز تعبیرى نمادین ومجازى است که از آن عبادت و تهجد در شب و شجاعت و جرأت در روز مقصود است.

زبان رمزى برای کسی که آشنا به شیوه های تعبیر در منابع وروایات اسلامى باشد، زبانی شناخته شده است. پس از این مقدمه، بحث از «نشانه ها واندیشه ها» را در این روایات آغاز می کنیم:

۱. گنج هایى غیر از طلا و نقره

یاران امام، گنج هستند. گنج، ثروتى است که مردم از محلّ اختفای

ص: ۵۱

آن بی خبرند. ممکن است گنجی در خانه انسان، زیر گام های او، یا در زمین مجاور منزلش، یا در شهر وی باشد؛ ولی او از آن بی خبر باشد. انصار امام نیز گنج های پنهانند. ممکن است یکی از آنان در خانه یکی از ما یا در همسایگی و شهر ما باشد؛ اما ما وی را نشناسیم و حقیرش بشماریم و یا در چشم مردم _ که دیده بصیرتشان از نفوذ در اعماق و کشف گنج ها ناتوان است _ کوچک آید!

بی گمان این بصیرت، یقین، توجه به خدا، شجاعت و بی باکی و ذوب شدن در ذات خدای تعالی _ که انصار امام علیه السلام بدان ها توصیف شده اند _ به یکباره شکل نمی گیرد؛ بلکه در جان این جوانان وجود داشته، ولی از دیدگان مردم پنهان مانده است؛ چنان که گنج ها از چشم ها پنهان می مانند.

۲. قدرت و آگاهی

خدای بلندمرتبه در وصف بندگان شایسته خود «ابراهیم»، «اسحاق» و «یعقوب» (علیهم السلام) می فرماید:

(واذکر عبادنا ابرهیم واسحق و یعقوب اولی الایدی والابصار انا اخلصناهم بخالصه ذکرى الدار وانهم عندنا لمن المصطفین الاخيار)(۱)؛

«و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند، به یاد آور. ما آنان را با موهبت ویژه ای _ که یادآوری

ص: ۵۲

آن سرای بود _ خالص گردانیدیم. و آنان در پیشگاه ما به جدّ از برگزیدگان نیکانند».

بصیرت، نیازمند قدرت است و بدون قدرت، از دست می رود و به خاموشی می گراید. بصیرت را جز مؤمن نیرومند بر نمی تابد و هنگامی که نیروهایش تحلیل رود، فاقد بصیرت می شود. بنابراین، قدرت نیاز به بصیرت دارد؛ زیرا توانایی بی بصیرت، به لجاجت و دشمنی و استکبار بدل می شود.

خدای تعالی ابراهیم، اسحاق و یعقوب را چنین توصیف فرموده که آنان صاحبان «قدرت» و «بصیرت» هستند. در برخی روایات نیز، یاران امام عصر علیه السلام به صاحبان «قدرت» و «بصیرت» توصیف شده اند.

۳. هشیاری و بصیرت

تعبیر روایت از حالت آگاهی و بصیرت یاران امام عصر علیه السلام تعبیر عجیبی است: «کالمصابیح کأنّ فی قلوبهم القنادیل»؛ «آنان چونان چراغ هایند؛ انگار که در دل هایشان قندیل هایی روشن است».

آیا امکان پذیر است که ظلمت، قندیل را بشکند؟ هر چند که ظلمت قندیل را احاطه می کند؛ لیکن قدرت درهم شکستن آن را نخواهد داشت.

تیرگی شک و تردیدها هر چند متراکم گردد و فتنه ها پی در پی درآیند؛ ولی نمی تواند در روح و جان و هشیاری یاران امام نفوذ کند. از این رو آنان هنگامی که رهسپار می شوند، دچار شک نمی گردند و تردید نمی کنند و به قهقرا نمی روند و به پشت سر نمی نگرند. تعبیر

روایت در این زمینه چنین است: «لایشوبه شک فی ذات الله»؛ «دل‌هایی که به شک در ذات خدا آلوده نشوند».

از این تعبیر فهمیده می‌شود که منظور امری غیر از شک است؛ ترکیبی از شک و یقین و یا لحظاتی از شک که حالت یقین را می‌شکافد و به نحوی به درون یقین نفوذ می‌کند؛ ولی در اندک مدتی در مقابل آن شکست می‌خورد و جا خالی می‌کند. چنین چیزی برای بسیاری از مؤمنان اتفاق می‌افتد؛ در حالی که هیچ شکّی، یقین‌یاران امام را بر نمی‌آشوبد. یقین آنان ناب و خالص و به دور از شایبه شک و تردید است.

۴. عزم نافذ

این بصیرت، چنان عزم نافذی به آنان می‌بخشد که هیچ تردید و دو دلی در آن راه ندارد. تعبیر از این عزم به «اخگر و پاره آتش» (الجمر)، تعبیری با شکوه و حکایتگر است. «اخگر» مادام که ملتهب و فروزان است، نفوذ می‌کند و می‌درد و «پاره آتش»، دلپسندترین تعبیری است که در باب نفوذ عزم می‌شناسیم. ما نمی‌دانیم که خدای تعالی، در روح و جان جوانان طالقان چه گنجینه‌هایی از هشیاری، یقین، عزم و نیرو قرار داده است! تعبیر وارد در این روایت، تعبیر غیرمأنوسی است. انگار که سخن از آنان، سخن از روی وجد و شیفستگی است:

«زُبر الحديد كالمصاييح، كأنَّ في قلوبهم القناديل، اشدُّ من الجمر، رُهبانٌ بالليل، ليوثُّ بالنهار»؛ «[آنان] پاره‌های آهن‌اند، چون چراغ‌اند، انگار در دل‌هایشان قندیل‌هایی روشن است، نافذتر از پاره آتش، زاهدان شب و شیران روز».

گویا روایت از تمام توانایی های لغت، سود جسته تا امکان تعبیر از آگاهی، بصیرت، نیرومندی و عزم نافذ این جوانان را بیان کند.

۵. نیرومندی

در روایت، جوانان طالقان به [صاحبان] قدرت شگرف توصیف شده اند که تاکنون هیچ جوانی را بدان نیرومندی مشاهده نکرده ایم. در این عبارت تأمل کنید: «كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبْرُ الْحَدِيدِ»؛ «گویی که دل هایشان پاره های آهن است».

آیا تاکنون کسی را دیده اید که بتواند تکه های آهن را در کف دست ذوب کند، یا بشکند یا نرم سازد؟

«لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ لَأَزَالُوهَا، لَا يَقْصِدُونَ بِرَأْيَاتِهِمْ بَلْدَةَ إِلَّا خَزَبُوهَا كَأَنَّ عَلَى خِيُولِهِمُ الْعُقَبَانُ»؛ «اگر به کوه ها حمله ور شوند، آنها را متلاشی سازند، با پرچم هایشان آهنک هیچ دیاری را نکنند، جز آنکه ویرانش سازند، گویی که عقابانند بر اسب ها».

این تعابیر از توانایی شگرفی حکایت می کند. این قدرت، از نوع قدرتی نیست که طاغوت ها از آن بهره مندند؛ بلکه فقط برخاسته از نیروی عزم و اراده و یقین است.

۶. شهادت طلبی

«يَدْعُونَ بِالشَّهَادَةِ وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يُقْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ»؛

«برای شهادت دعا می کنند و آرزوی کشته شدن در راه خدا را در سر می پروراند».

مرگ، پیرمردان نود یا صد ساله را دچار وحشت می سازد؛ در حالی که تمام لذت های زندگی و میل بدان ها را از کف داده اند... اما این جوانان _ که در عنفوان جوانی به سر می برند _ به این مرگ عشق می ورزند. عشق به شهادت از دو چیز سرچشمه گرفته و دارای دو نتیجه است.

این دو چیز _ که منشأ عشق به شهادت در وجود انسان است _ روی گردانی از دنیا و توجه به خدای تعالی است. اگر انسان با دوستی دنیا در دلش مقابله کند و خود را از بند آن رها سازد و فرییش را نخورد، بی گمان گام نخست را در این راه _ که دشوارترین گام است _ برداشته است. گام دیگر آن است که دل به محبت خدا دهد و شیفته یاد و عشق او باشد و صاحب چنین دلی، با تمام وجود به سوی خدا باز گردد.

برای این گروه، امور دنیوی اهمیتی ندارد. با دیگران در بازارها و اجتماعات حاضر می شوند؛ اما در دل از این امور غایب اند و درباره اینان اصطلاح «حاضر غایب» (۱) کاملاً مصداق می یابد.

این جنگجویان دلاور، عاشق مرگی هستند که مردم از آن می هراسند. شهادت را طلب می کنند و در آن لقای الهی را می جویند. اشتیاقشان به شهادت، مانند اشتیاق مردم به لذت های دنیا، بلکه برتر از آن است.

عده اندکی آنان را درک می کنند. انسان های غربی راهی برای درک آنان ندارند. غریبان گاهی عمل آنان را به «خودکشی» (۲) توصیف

ص: ۵۶

۱- آیا حدیث حاضر و غایب شنیده ای من در میان جمع و دلم جای دیگر است

۲- کسانی که علیه منافع استکبار دست به عملیات شهادت طلبانه می زنند.

می کنند! حال آنکه کسی خودکشی می کند که از دنیا خسته شده و در زندگی به بن بست می رسد؛ ولی این جوانان درهای دنیا را به روی خود گشوده می یابند. دنیا به رویشان لبخند می زند و با تمام طراوت و زیب و زیورهایش به سرشان سایه می افکند. بنابراین آنان از دنیا خسته نشده و در آن به بن بست نرسیده اند؛ بلکه از آن رویگردان شده و مشتاق لقای الهی اند.

غربیان، این جوانان را به «تروریسم» متهم می کنند؛ حال آنکه اینان تروریست نیستند و اگر می گفتند که اینان از ترور نمی هراسند، سخنی نزدیک تر به واقعیت بود.

روی گردانی از دنیا و عشق به لقای الهی، سرمنشأ عشق به شهادت و کشته شدن در راه خداوند است. آنچه که از عشق به شهادت حاصل می شود، عزم و نیرومندی است. رزمنده بی باکی که می تواند خود را از [بند] دنیا آزاد سازد، چنان عزم و اراده و نیرویی در خود می یابد که دیگران از آن بی نصیب اند.

این عزم [قاطع] و توان [بالا] هیچ ارتباطی به اسباب قدرت مادی _ که در جبهه مخالف موجود است _ ندارد؛ هر چند که ما ضرورت وجود این اسباب و قدرت های مادی و اهمیّت آنها را در ظهور امام علیه السلام و نزدیک تر شدن فرج آن حضرت، انکار نمی کنیم.

۷. تعادل شخصیت

از بارزترین نشانه این گروه، تعادل در شخصیت، بین دنیا و آخرت و

بین قدرت و بصیرت است و همین راز نیرومندی و نفوذ آنان است. خدای تعالی این موازنه و تعادل را دوست دارد و افراط و تفریط و گرایش به چپ و راست را ناپسند می شمارد:

(وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) (۱)؛

«و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن».

خدای تعالی در مقام آموزش دعا به ما فرموده است:

(رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً) (۲)؛ «پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن».

(وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا) (۳)؛ «دستت را به گردنت زنجیر مکن (بخیل مباش) و بسیار [هم] گشاده دستی منما که سرزنش شده و حسرت زده بر جای مانی».

تعادل بین خشوع و عبودیت برای خدا و فروتنی در مقابل مؤمنان و شدت و قاطعیت در مقابل کافران نیز از همین موازنه محسوب می شود: (أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ) (۴)؛ «با مؤمنان، فروتن و بر کافران سرفرازند».

ص: ۵۸

۱- قصص (۲۸) آیه ۷۷.

۲- بقره (۲) آیه ۲۰۱.

۳- اسراء (۱۷) آیه ۲۹.

۴- مائده (۵) آیه ۵۴.

تعادل بین توکل بر خدا و تلاش و کار و برنامه ریزی نیز داخل در همین موازنه است. امیرمؤمنان علی علیه السلام برای «همام» جوانب این موازنه و تعادل در شخصیت «متقین» را چنین توصیف کرده است:

«فمن علامه احدهم اَنَّكَ تَرى لَهُ قُوَّةَ فِى دِينٍ وَحِزْمًا فِى لِينٍ وَإِيمَانًا فِى يَقِينٍ وَحِرْصًا فِى عِلْمٍ وَعِلْمًا فِى حِلْمٍ وَقَصْدًا فِى غِنَى وَخَشْوَعًا فِى عِبَادَةٍ وَتَجَمُّلاً فِى فَاقَةٍ وَصَبْرًا فِى شِدَّةٍ وَطَلَبًا فِى حِلَالٍ وَنَشَاطًا فِى هَيْدَى وَتَحَرُّجًا عَنِ طَمَعٍ يَعْمَلُ الْأَعْمَالَ الصَّالِحَةَ وَهُوَ عَلَى وَجَلٍ، يُمَسِّى وَهَمُّهُ الشُّكْرُ وَيُصْبِحُ وَهَمُّهُ الذِّكْرُ يَبِيتُ حَذْرًا وَيُصْبِحُ فَرِحًا، ... يَمِزُجُ الْحِلْمَ بِالْعِلْمِ وَالْقَوْلَ بِالْعَمَلِ ... فِى الزَّلَازِلِ وَقَوْرٍ وَفِى الْمَكَارِهِ صَبُورٌ وَفِى الرِّخَاءِ شُكُورٌ ... نَفْسُهُ مِنْهُ فِى عَنَاءٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِى رَاحَةٍ»؛^(۱)

«از نشانه های یکی از آنان این است که در کار دین نیرومندش بینی و پایدار، نرم خوی هشیار و در ایمان استوار، و در طلب دانش حریص و با داشتن علم بردبار و در توانگری میانه رو و در عبادت فروتن، و به درویشی نکویی نمودن، و در سختی شکیبایی کردن و جستوجوی آنچه رواست و شادمانی در رفتن راه راست و دوری گزیدن از طمع. کارهای نیک می کند و در هراس است. روز را به شب می رساند و در بند سپاس است. بامداد می کند ذکرگویان، شب را به سر می برد ترسان، و روز

ص: ۵۹

۱- نهج البلاغه (ترجمه دکتر شهیدی)، خطبه ۱۹۳، ص ۲۲۶؛ نهج البلاغه (فیض الاسلام)، خ ۱۸۴، ص ۶۱۱.

می کند شادان ... بردباری را با دانش در می آمیزد و گفتار را با کردار ... به هنگام دشواری ها بردبار است و در ناخوشایندها پایدار و در خوشی ها سپاسگزار ... نفس او از او در زحمت است و مردم از وی در راحت».

این موازنه از ویژگی های بارز، در شخصیت یاران امام عصر علیه السلام است.

۸. زاهدان شب، شیران روز

عبارت «رهبان باللیل، لیوث بالنهار» در روایت پیشین به چنین موازنه ای اشاره کرده است. در ساختار شخصیت انسان، شب و روز، نقش های مختلفی را ایفا می کنند. گردش شب و روز، یک گردش تکاملی است. هر کدام از آنها، دیگری را کامل می کند و به ناچار با مشارکت یکدیگر در بنای شخصیت انسان مؤمن دعوتگر و مجاهد نقش دارند.

اگر تهجد و عبادت در شب نباشد، انسان در رویارویی با گردنه های دشوار، استواری لازم را نمی یابد و از ادامه حرکت در راه پرخاری که در طی روز باید بپیماید، باز می ماند. همچنین اگر حرکت در «روز» نباشد، «شب» یار و همراه خود را از عمل به وظیفه دعوتگری به سوی خدا در اجتماع باز می دارد و انسان دومین نقش خود را در زندگی دنیا پس از عبادت خدا _ که دعوت به سوی عبودیت او است _ از کف می دهد.

قرآن کریم بر تأثیر شب در ایجاد آمادگی در انسان ها به منظور دعوت به سوی خدا و کوشش در این راه تأکید دارد. در آغازین روزهای رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) سوره مبارک «مزل» بر آن حضرت نازل شد. در این سوره خدای تعالی از پیامبرش خواسته است تا

شبانگهان، خود را برای تحمّل «قول ثقیل»^(۱) در روز، آماده سازد:

(يا ايها المزمّل قم اللّيل الا قليلاً نصفه او انقص منه قليلاً أو زد عليه ورتّل القرآن ترتيلاً انا سنلقی علیک قولاً ثقیلاً إنّ ناشئه اللّيل هي اشدّ وطأً و أقوم قیلاً إنّ لك فی النهار سبحاً طویلاً)^(۲)؛

«ای جامه به خود پیچیده! شب را برخیز، مگر اندکی. نیمی اش را یا کمی از نیم بکاه یا بر آن بفرزای و قرآن را آرام و با درنگ بخوان. ما بر تو سخنی گران القا می کنیم. که خیزش شب، به اثر سخت تر است و به گفتار استوارتر که تو را در روز، آمد و شدی دراز است.»

تعبیر از شب به «ناشئه»، دقیق و گویا است. شب، انسان را می سازد و او را آماده انجام دادن کارهای بزرگ می کند و شخصیت وی را صیقل می دهد. واژه «قیلاً»؛ یعنی، سخن و یاد خدا. امیرمؤمنان علی علیه السلام دو بخش از زندگی پرهیزگاران را چنین توصیف کرده است:

«أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يَرْتَلُونَهُ تَرْتِيلاً. يُحْزِنُونَ بِهِ أَنْفُسَهُمْ وَ يَسْتَيْثِرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ. فَإِذَا مَرُّوا بِأَيِّهِ فِيهَا تَشْوِيقٌ رَكَنُوا إِلَيْهَا طَمَعاً وَ تَطَلَّعَتْ نُفُوسُهُمْ إِلَيْهَا شَوْقاً وَ ظَنُّوا أَنَّهَا نَضْبٌ أَعْيُنِهِمْ، وَ إِذَا مَرُّوا بِأَيِّهِ فِيهَا تَخْوِيفٌ أَصْبَغُوا إِلَيْهَا مَسَامِعَ قُلُوبِهِمْ وَ ظَنُّوا أَنَّ زَفِيرَ جَهَنَّمَ وَ شَهيقَهَا فِي أُصُولِ آذَانِهِمْ، فَهُمْ حَانُونَ عَلَى أَوْسَاطِهِمْ، مُفْتَرِشُونَ لِجِبَاهِهِمْ وَ أَكْفِهِمْ وَ رُكْبَتِهِمْ وَ أَطْرَافِ

ص: ۶۱

۱- کنایه از دریافت وحی الهی.

۲- زمّل (۷۳) آیات ۱ _ ۷.

أَقْدَامِهِمْ، يَطَّلِبُونَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي فَكَاكِهِ رِقَابِهِمْ. وَأَمَّا النَّهَارُ فَحُلَمَاءُ عُلَمَاءَ، أَبْرَارٌ أَتْقِيَاءَ، قَدْ بَرَّاهُمْ الْخَوْفُ بَزَى الْقَدَاحِ، يَنْظُرُ إِلَيْهِمُ النَّاطِرُ فَيَحْسَبُهُمْ مَرَضَى وَمَا بِالْقَوْمِ مِنْ مَرَضٍ وَيَقُولُ: قَدْ خُولِطُوا وَلَقَدْ خَالَطَهُمْ أَمْرٌ عَظِيمٌ» (۱)؛

«چون شب شود برپا ایستاده، آیات قرآن را با تأمل و اندیشه می خوانند و با خواندن و تدبّر در آن، خود را اندوهگین می سازند و به وسیله آن به درمان درد خویش کوشش دارند. پس هر گاه به آیه ای برخوردند که به شوق آورده و امیدواری در آن است، به آن طمع نموده و با شوق به آن نظر کنند، آن سان که گویی پاداشی که آیه از آن خبر می دهد، در برابر چشم ایشان است و آن را می بینند. هر گاه به آیه ای برخوردند که در آن بیم دادن است، گوش دل های خویش بدان نهند، چنان که گویا شیون [اهل] دوزخ در بیخ گوش های ایشان است. [در پیشگاه الهی برای رکوع] قد خم می کنند و [برای سجود] پیشانی ها و کف ها و زانوها و اطراف قدم هایشان را بر روی زمین می گسترانند. از خدای تعالی آزادی خویش را [از عذاب رستاخیز] درخواست می کنند. اما در روز، دانشمندانی خویشتن دار و نیکوکارانی پرهیزگاراند. ترس [از خدا] آنان را چون تیر پیراسته لاغر و نزار کرده است. چون کسی بدان ها نگرَد، پندارد بیمارند؛ اما آنان بیمار نیستند، و گوید خردهایشان آشفته است، [اما] موجب آشفته گی ایشان کاری است بزرگ».

شب و روز دو نیمه زندگی انسان اند که یکدیگر را تکمیل می کنند.

ص: ۶۲

شب را دولتی و دولتمردانی است و روز را دولتی و دولتمردانی. دولتمردان روز، بدون قیام شب به نتیجه نمی‌رسند و دولتمردان شب، بدون تلاش روز، در دعوت مردم به بندگی خدا و حاکمیت دین حق موفق نخواهند بود.

یاران امام عصر علیه السلام هم مردان شب اند و هم مردان روز و خداوند بدیشان دولت شب و روز هر دو را عنایت فرموده است:

سمه العیید من الخشوع علیهم

لِلَّهِ اِنْ ضَمْتَهُمُ الْاَسْحَارُ

فاذا ترجلت الضحی شهدت لهم

بیض القواضب انهم احراز

نشان بندگی بندگان از خشوع آنان هویدا است

خدا را اگر سپیده دمان بدیشان ضمیمه شود

و هنگامی که بامداد برآید، گواهی دهد

برق تیغ‌ها که آنان آزاد مردانند

اگر آنان مردان دولت شب نبودند، به تنهایی قدرت رویارویی با گردنکشان زمین را نداشتند و اگر مردان روز نبودند، قادر به تطهیر زمین از آلودگی شرک و برپایی توحید و عدل نبودند. همچنین اگر آنان از مردان روز نبودند، در زندگی مردم به توحید و عدل حکم نمی‌کردند و نیز اگر از مردان شب نبودند، دچار غرور شده و از صراط مستقیم منحرف می‌شدند.

دو مرحله یا دو نسل؟

ما در مقابل دو نسل قرار داریم: نخست، نسلی که شاهد سقوط و

فروپاشی تجربه سوسیالیسم مارکسیستی و تجربه دموکراسی سرمایه داری [غربی] است و زمین را مهیای ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد ساخت. اینان همان «زمینه سازان» هستند. دوم، نسلی که به یاری امام علیه السلام بر می خیزد و پیش روی او نبرد می کند. اینان همان «انصار» اند.

آیا اینان تنها دو نسل محسوب می شوند یا آنکه دو نسل و دو مرحله از تاریخ هستند؟ ما [به درستی] نمی دانیم؛ لیکن بعید است که چنین اقدام بزرگی تنها در یک نسل سامان پذیرد.

بایسته های انتظار

اشاره

ما اکنون در دوران انتظار به سر می بریم که درازدامن ترین مرحله در تاریخ اسلام است. به راستی مهم ترین بایسته ها و مسؤولیت های این مرحله چیست؟ آنچه در پی می آید خلاصه ای از این بایسته ها و مسؤولیت ها است:

۱. آگاهی

آگاهی بر چند گونه است:

الف. بینش توحیدی، و اینکه تمام هستی از خدا و همه چیز در کف قدرت او است. خدا بر هر کاری توانا و همه چیز در آسمان و زمین، تحت فرمان او است و از خود هیچ اختیاری ندارد.

ب. آگاهی به وعده الهی در شرایط سخت سیاسی و مرحله ضعف و ناکامی و در شرایط سقوط. یکی از دشوارترین کارها در چنین عصری،

آن است که انسان به درک این سخنان خدای متعال نایل آید:

(وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (۱)؛ «سست مشوید و اندوه مخورید، شما برترید اگر مؤمن باشید».

(وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنَمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ) (۲)؛ «ما می خواهیم، بر آنان که در زمین خوارشان شمرده اند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم و در زمین قدرشان دهیم».

(وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ) (۳)؛ «همانا در زبور، پس از آن یاد کرد، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

(كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي) (۴)؛ «خداوند مقزّر کرده است که حتماً من و فرستادگانم هر آینه پیروز خواهیم شد».

(وَلَيُنْصِرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ) (۵)؛ «هر آینه خدا هر که را یاری اش کند، یاری می کند».

ج. آگاهی به نقش انسان مسلمان در روی زمین، که عبارت است از سرپرستی، گواهی دادن و رهبری بشریت [به سوی خیر و فلاح]. خدای

ص: ۶۵

۱- آل عمران (۳)، آیه ۱۳۹.

۲- قصص (۲۸) آیه ۵ و ۶.

۳- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

۴- مجادله (۵۸) آیه ۲۱.

۵- حج (۲۲) آیه ۴۰.

تعالی می فرماید:

(وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا) (۱)؛ «این چنین شما را مردمی میانه [رو] اقرار دادیم تا خود بر مردمان گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد».

د. آگاهی به نقش دین اسلام در زندگی بشری، در از میان برداشتن فتنه و امیال نفسانی از مسر دعوت حق:

(وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ) (۲)؛ «با آنان بجنگید تا آشوبی نباشد و دین از آن خدای شود».

ه. آگاهی به سنت های [رایج] الهی در تاریخ و اجتماع و ضرورت آمادگی، زمینه سازی، حرکت و فعالیت در ضمن این سنن و محال بودن گذر از آنها. بر این اساس خداوند فرمان داده است تا مسلمانان در خود، آمادگی های لازم برای ورود در این مبارزه قاطع و سرنوشت ساز ایجاد کنند: (وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ) (۳)؛ «تا می توانید در مقابل دشمنان نیرو مهیا کنید».

۲. امیدواری

در صورتی که انسان به برآورده شدن وعده های خداوند و قدرت و

ص: ۶۶

۱- بقره (۲) آیه ۱۴۳.

۲- بقره (۲) آیه ۱۹۳.

۳- انفال (۸) آیه ۶۰.

اقتدار او امیدوار باشد؛ بی گمان این امید پایان ناپذیر بوده و صاحبش ناکام نخواهد شد. به همین دلیل مسلمان، نیرو و توان خود را به نیرو و قدرت الهی پیوند می زند (اعتصام بحبل الله) و هر که چنین کند، نیرو و اقتدارش پایان ناپذیر خواهد بود.

۳. مقاومت

مقاومت، نتیجه امیدواری است. غریقی که گروه نجات را از دور می نگرد که به سوی او در حرکت است، بر امواج آب غلبه خواهد کرد و برای این کار در خود نیرویی شگرف خواهد یافت.

۴. حرکت

حرکت، همان امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به سوی خدا، آماده سازی زمین برای ظهور امام عصر علیه السلام و برپایی دولت جهانی او و ایجاد آمادگی های بینشی، ایمانی و تشکیلاتی و توانایی در نسل مؤمنی است که به یاری امام وزمین ساز ظهورش قیام کنند.

۵. دعا برای ظهور امام

تردید نیست که دعا به همراه حرکت و فعالیت و در کنار امر به معروف و نهی از منکر، از عوامل نزدیک ساختن ظهور امام زمان علیه السلام است. دعاهای زیادی در باب ظهور امام و ثواب انتظار رسیده است. یکی از دعاهایی که مؤمنان، آن را می خوانند و تکرار می کنند، دعای زیر است:

«اللهم کن لولیتک الحجه ابن الحسن، صلواتک علیه و علی آبائه، فی هذه الساعه و فی کُلّ ساعه، ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دلیلاً»

ص: ۶۷

وعیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً وتمتعه فیها طویلاً».

در دعای «افتتاح» این شکایت تلخ واین دعای دلپذیر را می خوانیم:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نرغب اليك في دولة كريمه تُعزُّ بها الاسلام واهله وتذلُّ بها النفاق واهله وتجعلنا فيها من الدِّعاهِ الي طاعتك والقاده الي سبيلك وترزُقنا بها كرامه الدنیا والآخره ... اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو اليك فَقَدْ نَبِينَا _ صلواتك عليه وآله _ وَغَيْبَهُ وَلِينَا وَكثره عَدُونَا وَقَلَّةَ عَدَدِنَا وَشِدَّةَ الْفِتْنِ بِنَا وَتَظَاهِرَ الزمان علينا»؛

«خدایا! ما از تو امید داریم آن حکومت کریمی را برقرار سازی و به سبب آن اسلام و مسلمین را عزت بخشی و نفاق و اهل آن را ذلیل گردانی و ما را در آن، از دعوت کنندگان به طاعت خویش واز رهبران راه هدایت قرار دهی و کرامت دنیا و آخرت را به ما روزی فرمایی ... خدایا! از نبود پیامبران _ که درود تو بر او و خاندانش باد _ و غیبت ولی مان و فزونی دشمن مان و کمی عددمان و زیادی فتنه هایی که بر ما فرود می آید و ناسازگاری زمانه، به تو شکوه می کنیم».

انتظار مطلوب

اشاره

انتظار بر دو گونه است: انتظار آگاهانه و مطلوب، و انتظار نامطلوب. دوومی، همان مترصد بودن علامت های ظهور، مانند صدای آسمانی (صیحه)، فرو رفتن در زمین (خَسِيف)، ظهور سفیانی و دجیال است. ما این علایم را نفی نمی کنیم و در این باره روایات زیادی در مجموعه روایات «ملاجم» آمده است. هر چند این روایات تاکنون مورد پژوهش سندی به صورت دقیق علمی قرار نگرفته است؛ اما از قبل بر درستی

برخی از آنها تأکید می‌کنیم. لیکن در اینجا بر شیوه «مترصد بودن» در معنای انتظار، انتقاد داریم. به نظر ما این شیوه، امت را از عمل به وظایفی که در دوره انتظار بر دوش دارد، منحرف می‌سازد و از شیوه انتظار صحیح باز می‌دارد.

اولی، همان «انتظار مطلوب» است. در چنین انتظاری، هم فعالیت و حرکت و امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد و هم دعوت به سوی خدا و جهاد. این، از زمینه‌های اساسی ظهور امام عصر علیه السلام است؛ زیرا ظهور او با زنجیره‌ای از سنت‌های الهی در جامعه و تاریخ ارتباط دارد و این سنت‌ها جز با فعالیت و حرکت، تحقق نمی‌یابد.

علامت‌های ظهور در روایات، اجمالاً صحیح هستند؛ اما به نظر ما محدود به زمان خاصی نیستند و در روایات نیز به صراحت وارد شده که تعیین کنندگان وقت (وقّاتون^(۱)) را تکذیب کنید.

عبدالرحمن بن کثیر می‌گوید: ما نزد امام صادق علیه السلام بودیم که مهزم وارد شد و به امام عرض کرد: قربانت شوم، درباره این حادثه‌ای که ما انتظار آن را می‌کشیم (ظهور امام عصر علیه السلام) بفرمایید کی اتفاق می‌افتد؟ امام علیه السلام فرمود:

«یا مَهْزَمُ! کذب الوقتون وهلك المستعجلون»^(۲)؛ «ای مهزم!

ص: ۶۹

۱- آنان که زمان خاصی را برای ظهور حضرت حجت (علیه السلام) پیش بینی می‌کنند. (مترجم)

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۰.

آنان که [برای این امر] وقت مشخص می کنند، دروغ می گویند و آنان که [تحقق آن را] پیش از موعدش می جویند، هلاک می شوند».

فضیل بن یسار از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: آیا برای این امر (ظهور حضرت) زمان خاصی است؟ فرمود: «کذب الوقتون»^(۱)؛ «دروغ گفته اند آنان که زمان خاصی را مقرر کرده اند».

بنابراین، مقصود از بیان علامت ها، مشخص کردن دقیق زمان ظهور امام عصر علیه السلام نیست. درست آن است که بگوییم اینها به اعمال ما ارتباط دارد. بله «خسف» و «صیحه» [مثلاً] از علامت های ظهور است؛ لیکن عمل ما، تحقق این امور را نزدیک یا دور می سازد.

این تصحیح و توجیه در تفسیر مفهوم ظهور، ضروری است که از آن به «انتظار مقبول و موجه» یاد شود. در این باره توجه به سه نکته بایسته است:

یک. تصحیح مفهوم انتظار

امروز در عصری زندگی می کنیم که در آن بحث های زیادی در مورد ظهور امام عصر علیه السلام رد و بدل می شود. در عصرهای تاریخی دور و نزدیک خودمان، دوره ای را سراغ نداریم که مردم به گستردگی امروز، از ظهور امام علیه السلام و دولت او سخن گفته و توجه نشان داده باشند. بنابراین، «انتظار» از مشخصه های بارز عصر ما است. اما متأسفانه اصلاح و ارشادی در سطح عموم درباره مسأله انتظار صورت نگرفته است! جوانان ما مسأله ظهور

ص: ۷۰

امام عصر علیه السلام وعلایم ظهور او را، صرفاً در لابه لای کتاب‌ها می‌جویند. چنین رویکردی صحیح نیست؛ بلکه درست آن است که ظهور امام و انقلاب جهانی به رهبری او را در متن زندگی سیاسی و اجتماعی خودمان جستجو کنیم.

علامت‌های ظهور امام علیه السلام به میزانی که ما در متن زندگی سیاسی و فرهنگی معاصر _ در آگاهی، مقاومت، وحدت کلمه، انسجام سیاسی، فداکاری، توانایی‌های انقلابی و سیاسی و تبلیغاتی مان _ می‌یابیم، در کتاب‌ها بیان نمی‌شود.

شیوه جوانان ما در پژوهش از نشانه‌های ظهور امام علیه السلام از لابه لای کتاب‌ها، شیوه‌ای کاملاً منفی است. باید مفهوم انتظار را تصحیح کنیم و آن را به سمت مثبت جهت دهیم. فرق دو مفهوم این است که مفهوم نخست، نقش انسان را در مسأله انتظار، منفی جلوه گر می‌سازد؛ اما مفهوم دوم، این نقش را در روند ظهور امام علیه السلام مثبت و فعال و مرتبط با زندگی و وضعیت سیاسی و انقلابی و درد و رنج ما قرار می‌دهد.

معمر بن خلّاد از حضرت ابی الحسن علیه السلام در تفسیر سخن خدای تعالی (الم، أحسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون) (۱) نقل کرده است:

(یفتنون كما یفتن الذهب، ثم قال: یخلصون كما یخلص الذهب)

ص: ۷۱

۱- «الف، لام، میم، آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟»؛ عنکبوت (۲۹) آیه ۱ و ۲.

(۱)؛ «[مردم] آزمایش می شوند، همان طور که طلا آزمایش می شود. سپس فرمود: ناخالصی مردم گرفته می شود، چنان چه طلا را خالص می سازند».

منصور صیقل می گوید: من و حارث بن مغیره نشسته بودیم و [درباره ظهور امام عصر علیه السلام] با هم سخن می گفتیم که امام صادق علیه السلام سخنان ما را شنید. آن حضرت به ما فرمود:

«فی ای شیء انتم هاهنا؟ هیئات لا واللّه لا یکون ما تمدّون الیه اعینکم حتّی تمیزوا»؛ «برای چه اینجا نشسته اید؟ دروغا! نه به خدا قسم آنچه که انتظارش را می کشید، واقع نخواهد شد، مگر آنکه متمایز (آزمایش) شوید».

منصور از امام صادق علیه السلام نقل می کند:

«یا منصور! انّ هذا الامر لا یأتیکم الا بعد ایاس، لا واللّه حتّی یمیزوا، لا واللّه حتّی یشقی من یشقی ویسعی عدّ من یشعد» (۲)؛ «ای منصور! ظهور امام علیه السلام واقع نمی شود، مگر پس از نا امیدی. نه به خدا مگر آنکه متمایز شوند؛ نه به خدا مگر آنکه شقی و نیک بخت هر دو خود را نشان دهند».

بنابراین، ارتباط ظهور امام عصر علیه السلام با علم، زندگی، گرفتاری و درد، نیکبختی و بدبختی ما بیشتر از ارتباط آن با نشانه های کیهانی ذکر شده در کتاب ها است و این، مفهومی است که باید با ژرف اندیشی و روشنگری به آن بنگریم.

ص: ۷۲

۱- الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۱.

دو. منتظر کیست؟

براساس مفهوم ذکر شده، مسأله برعکس می شود و امام علیه السلام منتظر حرکت و مقاومت و جهاد ما خواهد بود؛ نه ما منتظر ایشان. مسأله ظهور امام علیه السلام هنگامی که با واقعیت های سیاسی و انقلابی ما مرتبط باشد، بی گمان این ماییم که این واقعیت ها را تحقق می بخشیم. بنابراین می توانیم دو گونه عملکرد در این رابطه بروز دهیم: یا آنکه با اقدام، حرکت، اتحاد، نظم تشکیلاتی، فداکاری و امر به معروف، زمینه قیام آن حضرت را فراهم سازیم و یا آنکه کار را به عهده دیگران گذاشته و خود از هر گونه اقدامی شانه خالی کنیم و از رویارویی با مسؤولیت ها بگریزیم.

سه. ارزش انتظار

برای مفهوم مثبت و مقبول «انتظار»، منابع اسلامی، ارزش و اهمیت زیادی داده است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می فرماید: «افضل اعمال اُمّتی الانتظار»^(۱)؛ «برترین اعمال اُمّت من انتظار است» و «انتظار الفرج عباده»^(۲)؛ «انتظار فرج، خود عبادت است».

در حدیث دیگری آمده است: «المنتظر لِأمرنا كالمشحطِ بدمه»^(۳)؛ «کسی که انتظار امر ما را بکشد (منتظر ظهور باشد)، چونان کسی است

ص: ۷۳

۱- الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۶۹.

۲- الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۶۹.

۳- الزام الناصب، ج ۱، ص ۴۶۹.

که [در راه خدا] به خون خود در غلتیده باشد».

این ارزش بزرگی که در روایات برای انتظار بیان شده، با تصور مثبت از این معنا تناسب دارد و از تصوّر منفی انتظار به معنای «مترصد بودن» بسیار دور است.

ص: ۷۴

فصل دوم: پیوند «حرکت» و «انتظار»

اشاره

ص: ۷۵

حرکت و انتظار

ارتباط دو سویه ای میان حرکت و انتظار موجود است. پیش از این درباره پیوستگی انتظار به «حرکت» سخن گفتیم و هم اکنون از وابستگی «حرکت» به «انتظار» سخن خواهیم گفت.

اقدام انقلابی

«اقدام انقلابی» آمیزه ای از تخریب و ساختن است؛ از این رو با چالش، مقاومت و سختی همراه است. اگر انقلاب، فقط ساختن بود _ بی هیچ انهدامی _ نیاز به این همه زمت و تلاش نبود. چون انهدام بر رژیم سیاسی فاسد موجود وارد می شود؛ در نتیجه با سختی های فراوانی همراه است. زیرا هر رژیمی، بهره بردارانی دارد که از آن نفع می برند و دفاع می کنند.

دعوت به توحید، یک دعوت انقلابی است؛ از این رو چنین دعوتی با «جهاد و جنگ» همراه است:

(وقاتلوهم حتی لا تكون فتنة ويكون الدين كله لله) (۱)؛ «و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدای گردد».

ص: ۷۶

بدون از میان برداشتن فتنه ها و موانع بزرگی که بهره‌وران رژیم سیاسی شرک آلود ایجاد کرده اند، امکان ندارد دعوت به توحید راهی به زندگی مردم بگشاید. از طرف دیگر، از میان برداشتن فتنه نیز بدون جهاد و مبارزه، امکان پذیر نیست؛ زیرا توحید (نظام توحیدی) در خلأ سیاسی و اجتماعی استقرار نمی یابد؛ بلکه جایگزین شرک می شود و دعوت به خدا، جز با نابودی شرک صورت نمی پذیرد.

بهای اقدام انقلابی

برپا دارندگان شرک و رهبران آن، از تمام توان خود برای مبارزه با حرکت توحیدی و برانگیختن فتنه ها و ایجاد موانع در مسیر دعوتگران به خدا، بهره می برند. دعوت به توحید نیازمند از بین بردن تمام این فتنه ها و رویارویی با همه این موانع و مبارزه با رژیم شرک است.

رویارویی با موانع و مبارزه با کیان شرک، هزینه جانی و مالی زیادی به دعوتگران به سوی خدای تعالی و نزدیکان آنان تحمیل می کند و خسارت های سنگینی را در پی دارد.

تکلیف به حرکت

قرآن با توجه به این عوامل، در تکلیف مردم به حرکت، اهتمام ویژه ای نشان داده است. اگر این رنج ها و مشقت ها در حرکت توحیدی نبود، این همه تأکید وجهی نداشت:

ص: ۷۷

(قوموا لله قانتين) (۱)؛ «خاضعانه برای خدا به پاخیزید».

(وأمر بالمعروف وأنه عن المنكر واصبر على ما اصابك) (۲)؛ «به کار پسندیده وادار واز کار ناپسند بازدار وبر آسیبی که بر تو وارد آید شکبیا باش».

(فأستقم كما أمرت) (۳)؛ «پس همان گونه که دستور یافته ای ایستادگی کن».

(أدع الی سبیل ربك) (۴)؛ «به راه پروردگارت دعوت کن».

(اقرأ باسم ربك) (۵)؛ «به نام پروردگارت بخوان».

(جاهد الكفار والمنافقين) (۶)؛ «با کافران و منافقان جهاد کن».

(وجاهدوا فی سبیل الله) (۷)؛ «ودر راه خدا جهاد کنید».

(انفروا خفافاً وثقلاً وجاهدوا بأموالکم وانفسکم فی سبیل الله) (۸)؛ «سبکبار و گران بار بسیج شوید و با مال و جانان در راه خدا جهاد کنید».

(واقتلوهم حیث ثقتموهم) (۹)؛ «و هر کجا به ایشان دست یافتید، آنان را بکشید».

ص: ۷۸

۱- بقره (۲) آیه ۲۳۸.

۲- لقمان (۳۱) آیه ۱۷.

۳- هود (۱۱) آیه ۱۱۲.

۴- نحل (۱۶) آیه ۱۲۵.

۵- علق (۹۶) آیه ۱.

۶- توبه (۹) آیه ۷۳.

۷- بقره (۲) آیه ۲۱۸.

۸- توبه (۹) آیه ۴۱.

۹- بقره (۲) آیه ۱۹۱.

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ) (۱)؛ «و در راه خدا با کسانی که با شما می جنگند، بجنگید».

(و قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ) (۲)؛ «و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند».

تمام اینها آموزه های انقلابی در راستای تغییر وضع موجود و نشان دادن توحید به جای شرک و از بین بردن فتنه ها و رفع موانع از مسیر دعوت به سوی خداوند است.

ضعف انسان

انسان از انجام چنین مسؤولیت دشواری، احساس ناتوانی می کند و در وجود خود، قدرتی برای رویارویی با تمام این موانع و مشکلات نمی یابد. نبرد بین دو جبهه توحید و شرک، شدید و ویرانگر است؛ از این رو انسان به تنهایی یا با کمی مؤمنان، در برخورد با این جبهه، احساس ضعف کرده و چنین کاستی را می پذیرد و از رودررویی عقب نشینی می کند؛ مگر آنکه خدای تعالی او را حفظ کند.

پذیرش عوامل ضعف در نفس انسان، نخستین مشکلی است که فعالان در راه خدا با آن مواجه اند. این ضعف به شکل هراس از طاغوت و دستیاران او، درماندگی از ادامه راه، یأس از سودمندی استمرار آن، عافیت جویی و راحت طلبی و یا تمامی این عوامل بروز می کند و آنان

ص: ۷۹

۱- بقره (۲) آیه ۱۹۰.

۲- انفال (۸) آیه ۳۹.

که از ادامه مسیر ناتوانند و در راه می مانند، فراوان هستند.

رهایی از سقوط

در اینجا بایسته است از اسباب و عواملی که ما را در طی این مسیر، از سقوط حفظ می کند و از وسوسه های شیطانی و ضعف درونی خودمان باز می دارد، سخن بگوییم. وسایل حفظ و مصونیت در زندگی فعالان بسیار است. مهم ترین آنها چهار عامل است که قرآن کریم از آنها یاد کرده است: ۱. استعانت از صبر و صلاه؛ ۲. ولا؛ ۳. میراث؛ ۴. انتظار.

عوامل رستگاری

یک. استعانت از صبر و صلاه (نماز و روزه)

خدای تعالی می فرماید: (استعینوا بالصبر والصلوه) (۱)؛ «از شکیبایی و نماز یاری جوید» و (یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوه) (۲)؛ «ای مؤمنان! از شکیبایی و نماز یاری جوید».

خداوند در سوره «هود»، قلب رسولش را در وسط میدان کارزار با سران شرک در جزیره العرب با بیان قصه مسیر توحید، نیرو می بخشد و بعد از بررسی اجمالی این مسیر طولانی، به وی می فرماید:

ص: ۸۰

۱- بقره (۲) آیه ۴۵.

۲- بقره (۲) آیه ۱۵۳.

(فاستقم كما أمرت ومن تاب معك ولا تطغوا انه بما تعملون بصير ولا تركنوا الى الذين ظلموا فتمسكم النار وما لكم من دون الله من اولياء ثم لا تنصرون واقم الصلوه طرقي النهار وزلفاً من الليل ان الحسنات يذهبن السيئات ذلك ذكرى للذاكرين واصبر فان الله لا يضيع اجر المحسنين) (۱)؛

«پس همان گونه که دستور یافته ای، ایستادگی کن و [همین طور] هر چه با تو توبه کرده است. و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می دهید بینا است. به کسانی که ستم کرده اند، متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد. و در دو طرف روز [اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب، نماز را برپا دار؛ زیرا خوبی ها بدی ها را نیست می کند. این برای پندگیرندگان پندی است و شکیباً باش چه خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نمی گرداند».

صبر، پایداری براساس سنت های الهی است و جنگ به موجب این سنت ها به وجود می آید. آن که دوست دارد پیروز این نبرد باشد، به ناچار باید این سنت ها را بشناسد و بر آنها پایداری ورزد و با قدرتی هم تراز به مقابله با آنها برخیزد. این مقابله نیز خود از سنت های الهی است.

مهیّا کردن نیرویی هم تراز با قدرت دشمن در صحنه نبرد، یا در

ص: ۸۱

میدان سیاست یا تبلیغات و... جزئی از صبر و پایداری است.

صبر و شکیبایی، بدین معنا نیست که انسان دشمنش را تحمل کند؛ بلکه به معنای مقاومت و پایداری در مقابل دشمن و عدم ازدگی و درماندگی در رویارویی با او است؛ تا آنجا که توان دفع و رفع او را با نیرویی برابر با توان وی بیابد. این، معنای مثبت صبر و شکیبایی است.

نماز، نمود ارتباط با خدا و یاد او است. انسان مسلمان در بحبوحه نبرد، باید از خدا و یاد وی بسیار کمک بگیرد و از وی عزم و نیرو بطلبد و قوایش را با قوای الهی استحکام بخشد. اگر انسان در میدان نبرد، از خداوند یاری بطلبد، دیگر از چیزی نخواهد ترسید و احساس ضعف نخواهد کرد و این، معنای صبر و صلاه است.

دو. ولا (همبستگی)

مسلمانان مانند پیکری واحدند که اعضای آن ارتباطی منسجم دارند که همان رابطه ولا (همبستگی) است. این امر، ولایت در خطّ افقی است؛ در مقابل ولایت خدا و رسول و اولیای امور که ولایت آنان در خطّ عمودی و در بافت جامعه اسلامی است.

قرآن به همین رابطه منسجم و هماهنگ _ که افراد امت اسلامی را به یکدیگر پیوند می زند و از مجموع آنها توده ای مرتبط با هم پدید می آید _ اشاره دارد: (والمؤمنون والمؤمنات بعضهم اولیاء بعض) (1)؛ «و

ص: ۸۲

مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند».

این «ولا»، دوستی، همیاری، همبستگی، همزیستی، تعاون، سازش و خیرخواهی را شامل می‌شود. اُمّتی که با چنین پیوندهای مستحکمی به یکدیگر مرتبط باشند، ملّتی توانمند و یکپارچه در میدان مبارزه خواهند بود. خدای تعالی به سبب مصلحتی، پایه ارتباط میان این اُمّت را براساس ولا _ که از مستحکم ترین پیوندها در خانواده ای واحد است _ قرار داده است.

از آنجا که نخستین وظیفه اُمّت اسلامی، رویارویی و درگیری در میدان مبارزه است، به ناچار می‌باید از ساختار داخلی مستحکم و بافت استواری برخوردار باشد تا بتواند در برابر وحشی‌گری‌های نبرد سرنوشت‌سازی که در آن وارد شده است، پایداری ورزد.

بدون این ولای مستحکم _ که تک تک مردم مسلمان در آن به تقویت یکدیگر بر می‌خیزند _ اُمّت اسلامی قدرت ایستادگی در مقابل جبهه کفر و نفاق را در این نبرد سرنوشت‌ساز نخواهد داشت.

این اُمّت، با وحدت کلمه، به ریسمان الهی چنگ می‌زند و در رویارویی با سران کفر، مجموعه و خانواده واحدی می‌شود: (واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرّقوا) [\(۱\)](#)؛ «و همگی به ریسمان الهی چنگ زنید و پراکنده مشوید».

ص: ۸۳

۱- آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.

در این آیه، خدای متعال امت اسلامی را به چنگ زدن به ریسمان الهی در میدان مبارزه فرمان می دهد. البته این اعتصام باید از جانب همه و به طور جمعی باشد؛ زیرا طبیعت مبارزه چنین است که هر یک از دو طرف درگیری، تمام نیرو و امکانات خود را به کار می گیرد. نیروی امت اسلامی نیز در دو چیز خلاصه می شود: پناه بردن به خدا و اجتماع و یکپارچگی آنان.

سه. میراث

اعضای این خانواده باید ریشه های تاریخی خود را به یاد آورند. بی گمان شناخت چنین اصالت و هویت تاریخی، در هنگامه نبرد، به آنان نیرو، صلابت، ثبات و استحکام چند برابر خواهد بخشید.

حرکت اسلام در تاریخ، حرکت بی ریشه ای نیست؛ بلکه از حرکت تمام انبیا _ از آدم تا خاتم _ نشأت گرفته است.

حرکتی که دارای چنین عمق و ریشه ای است و در درازنای ده ها قرن، در مقابل مکر و دسیسه های مشرکان ثابت قدم مانده، سزاوار آن است که در این معرکه نیز ثابت قدم بماند و شایستگی و صلاحیتش را حفظ کند. بی گمان خانواده توحید، شجره طیبه ای است در زمین که: «اصلها ثابت وفرعها فی السماء»؛ «ریشه اش ثابت و شاخه هایش برافراشته بر آسمان است».

(الْم تَر كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا

ثابت و فرعها فی السَّيْمَاءِ تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (۱)؛ «آیا ندیدی خدا چگونه مَثَل زده: سخن پاک مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؛ میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد و خدا مَثَل ها را برای مردم می زند، شاید که آنان پند گیرند».

شرك نیز، يك خانواده است، جز آنکه بریده و بی ریشه است: (اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار) (۲)؛ «از روی زمین کنده شده و قراری ندارد».

برای کسانی که به خدا دعوت می کنند، بایسته است ریشه ها، عمق و اصالت تاریخی خود و نیز پیوندشان با صدیقان، صالحان، راکعان، ساجدان، ذاکران و دعوتگران به سوی خدا را به یاد آورند. به همین جهت، بر امام حسین علیه السلام به سبب میراث بزرگی که از پدران خود _ آدم، نوح، ابراهیم و رسول خدا _ به ارث برده است، سلام و درود می فرستیم و می گوئیم: «السلام علیک یا وارث آدم صفوه الله، السلام علیک یا وارث نوح نبی الله، السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله».

بسیار مهم و بایسته است که در میدان نبرد، انسان این ریشه داری و اصالت را یاد آورد؛ زیرا وی را در میانه این نبرد خسارت بار، مصون و محفوظ داشته و تقویت خواهد کرد.

ص: ۸۵

۱- ابراهیم (۱۴) آیه ۲۴ و ۲۵.

۲- ابراهیم (۱۴) آیه ۲۶.

انتظار، چهارمین عاملی است که انسان را در حرکت، یاری می دهد. انتظار، امید را در درون انسان بر می انگیزد و امید توانایی مقاومت و حرکت را به وی می بخشد. غریقی که منتظر رسیدن گروه نجات است، بی گمان چندین برابر کسی که امیدی به نجات ندارد، از خود استقامت نشان می دهد.

ایمان به «وراثت زمین به وسیله صالحان» و «امامت مستضعفان مؤمن» و اینکه «عاقبت از آن متقین» است، به صالحان و تقوای پیشگان، ثبات و قدرت بیشتری بخشیده و در میدان نبرد، آنان را ثابت قدم خواهد داشت. همچنین قدرت رویارویی با مشکلات و مبارزه با گردنکشان و مستکبران را در سخت ترین شرایط برای آنان فراهم خواهد ساخت. چنین ایمان و اعتقادی، از شکست و فروپاشی آنان در شرایط سخت و دشوار، جلوگیری خواهد کرد.

بدین جهت است که قرآن کریم بر این حقیقت _ «عاقبت از آن تقوای پیشگان است»^(۱) _ تأکید میورزد و به وراثت زمین به وسیله صالحان و شایستگان اقرار می کند: (ولقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون)^(۲)؛ «در حقیقت، در زبور پس از آن یاد کرد، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد».

ص: ۸۶

۱- اعراف (۷) آیه ۱۲۸.

۲- انبیاء (۲۱) آیه ۱۰۵.

به سبب اهمیت این حقیقت و بایستگی تأکید بر آن و بای اندیشه اسلامی بر آن، خدای متعال آن را در «ذکر» و «زیور»، یادآوری کرده است. خداوند امامت مستضعفان و سرپرستی آنان را در سیر تمدن انسانی، تثبیت فرموده، و این وعده پروردگار و اراده حتمی او است که پس از فراخواندنشان به ایمان و عمل صالح، درخواستشان را پذیرفت؛ چنان که فرمود:

(ونريد ان نمّن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین ونمکن لهم فی الارض) (۱)؛ «و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرودست شده بودند، منت نهیم و آنان را پیشوایان مردم گردانیم و ایشان را وارث زمین کنیم و در زمین قدرتشان دهیم».

این دو آیه، اگرچه در مسأله داستان موسی علیه السلام و فرعون وهامان وارد شده است؛ امّا اراده الهی در باب مستضعفان محروم، مطلق است و به چیزی جز استجاب امری که خدای تعالی، مؤمنان را به سوی آن دعوت کرده (ایمان و عمل صالح)، مقید نشده است.

وعده الهی بر امامت مستضعفان در زمین، به مؤمنان مستضعف نیرو، اطمینان، آرامش، استقامت و شکیبایی بر مشکلات مبارزه، و در ناراحتی ها نیروی مقاومت بخشیده و در میدان نبرد ثابت قدم می دارد.

انتظار حقیقی برای نجات، امید را در روحیه دلاوران عرصه های

ص: ۸۷

نبرد، برمی انگیزد؛ [چنان که] در رویارویی با فرعون و هامان، موسی بن عمران علیه السلام قوم خود را با وعده الهی و انتظار فرج و کمک از سوی خدای بلندمرتبه، نیرو بخشید:

(قال موسى لقومه استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبه للمتقين، قالوا اودينا من قبل ان تأتينا ومن بعد ما جئنا، قال عسى ربكم ان يهلك عدوكم ويستخلفكم في الارض فينظروا كيف تعملون) (۱)؛

«موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جوید و پایداری ورزید چه زمین از آن خدا است؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می دهد و فرجام نیک برای پرهیزگاران است. [قوم موسی] گفتند: پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به سوی ما آمدی، مورد آزار قرار گرفتیم. گفت: امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جانشین [آنان] سازد؛ آن گاه بنگرد تا چگونه عمل می کنید».

موسی بن عمران می کوشید تا بنی اسرائیل را در میدان مبارزه و رویارویی، متوجه امید به خدا و وعده او و انتظار فرج کند. از این رو، این دستور بزرگ الهی را برای آنان بیان می کند: (قال موسى لقومه: استعينوا بالله واصبروا ان الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبه للمتقين).

ص: ۸۸

شگفت آنکه موسی بن عمران بین «صبر» و «انتظارِ تحقق وعده الهی» ارتباط برقرار کرده است: (اصبروا انّ الارض لله یورثها من یشاء من عباده).

بنی اسرائیل می کوشند تا پیامبرشان را از انتظار آینده، متوجه مرارت زمان حاضر کنند، از این رو به وی می گویند: (أوذینا من قبل ان تأتینا ومن بعد ما جئتنا).

موسی دوباره آنان را به انتظار تحقق وعده خداوند و صبر بر ناراحتی ها متوجه می سازد که بی گمان این گشایش نزدیک خواهد بود: (قال: عسی ربکم ان یهلک عدوکم ویستخلفکم فی الارض فینظر کیف تعملون)

بنابراین، خدای تعالی اراده کرده تا این امت را با فرهنگ «وراثت» و «انتظار» آشنا سازد؛ یعنی، وراثت پیامبران و صالحان و انتظار وعده خدای تعالی به فرج و امامت شایستگان.

از یک طرف قانون «وراثت» و از دیگر سو قانون «انتظار»، حرکت توحیدی را احاطه کرده است. وراثت و انتظار، دو رکن اصلی حرکت توحیدی در مسیر دشوار و طولانی آن است و باید با این دو فرهنگ قرآنی آشنا شویم.

والسلام

ص: ۸۹

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

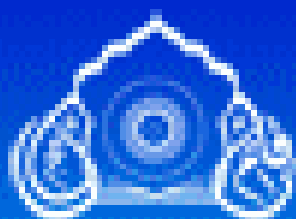
ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹